

# اول تواریخ

## از آدم تا ابراهیم

۱ آدم، شیث اَنوش، ۲ قینان مهللئیل یازد، ۳ خنوخ متوشالغ کمک، ۴ نوح سام حام یافث.

۵ پسران یافث: جومر و ماجوج و مادای و یاون و توبال و ماشک و تیراس. ۶ و پسران جومر: اشکناز و ریفات و تجرمه. ۷ و پسران یاون: الیشه و ترشیش و کتیم و دودانیم.

۸ و پسران حام: کوش و مضرایم و فوت و کنعان. ۹ و پسران کوش: سبا و حویله و سبتا و رعما و سبتکا. و پسران رعما: شبا و ددان. ۱۰ و کوش، نمرود را آورد، و او به جبار شدن در جهان شروع نمود.

۱۱ و مضرایم، لودیم و عنامیم و لهابیم و نفتوحیم را آورد، ۱۲ و فتر و سیم و کسلوحیم را که فلستیم و کفتوریم از ایشان پدید آمدند.

۱۳ و کنعان نخست زاده خود، صیدون و حث را آورد، ۱۴ و ییوسی و اموری و جرجاشی، ۱۵ و جوی و عزقی و سینی، ۱۶ و اروادی و صماری و حماتی را.

۱۷ پسران سام: عیلام و اشور و ازفکشاد و لود و آرام و حوص و حول و جاتر و ماشک. ۱۸ و ازفکشاد، شالغ را آورد و شالغ، عابر را آورد.

۱۹ و برای عابر، دو پسر متولد شدند که یکی را فالج نام بود زیرا در ایام وی زمین تقسیم شد و اسم برادرش یقطان بود. ۲۰ و یقطان، الموداد و

شالف و حصرموت و یارح را آورد؛ ۲۱ و همدورام و اوزال و دقله، ۲۲ و ایبال و ابیمایل و شسبا، ۲۳ و اوفیر و حویله و یویاب را که جمیع اینها پسران یقطان بودند.

۲۴ سام، ازفکشاد سالغ، ۲۵ عابر فالج رعو، ۲۶ سروج ناخور تارح، ۲۷ ابرام که همان ابراهیم باشد.

۲۸ پسران ابراهیم: اسحاق و اسماعیل. ۲۹ این است پیدایش ایشان: نخست زاده اسماعیل: نبایوت و قیدار و ادنبیل و میسام، ۳۰ و میسام و دومه و متسا و حدد و تیما، ۳۱ و یطور و نافیش و قدمه که اینان پسران اسماعیل بودند. ۳۲ و پسران قطوره که مئعه ابراهیم بود، پس او زمران و یقشان و مدان و مدیان و یشباق و شوخا را زاید و پسران یقشان: شبا و ددان بودند. ۳۳ و پسران مدیان عیقه و عیقر و خنوح و ابیداع و الدعه بودند. پس جمیع اینها پسران قطوره بودند.

۳۴ و ابراهیم اسحاق را آورد؛ و پسران اسحاق عیسو و اسرائیل بودند. ۳۵ و پسران عیسو: الیفاز و رعوثیل و یعوش و یغلام و قورح. ۳۶ پسران الیفاز: تیمان و اومار و صفی و جعتام و قناز و تمناع و عمالیق. ۳۷ پسران رعوثیل: نحت و زارح و شمه و مژه.

۳۸ و پسران سعیر: لوطان و شوبال و صبغون و عنه و دیشون و ایصر و دیشان. ۳۹ و پسران

لوطان: حوری و هومام و خواهر لوطان یمناع. ۴۰ پسران شوبال: علیان و متاحت و عیبیل و شفی و اوانام و پسران صبعون: آیه و عنه. ۴۱ و پسران عنه: دیشون و پسران دیشون: حمران و اشبان و یثران و کران. ۴۲ پسران ایصر: بلهان و زغوان و یعقان و پسران دیشان: عؤص و اران. ۴۳ و پادشاهانی که در زمین آدوم سلطنت نمودند، پیش از آنکه پادشاهی بر بنی اسرائیل سلطنت کند، اینانند: بآلع بن بعور و اسم شهر او دنهابه بود. ۴۴ و بآلع مُرد و یوباب بن زارح از بُصره به جایش پادشاه شد. ۴۵ و یوباب مُرد و حوشام از زمین تیمانی به جایش سلطنت نمود. ۴۶ و حوشام مُرد و هدد بن بدد که مدیان را در زمین موآب شکست داد در جایش پادشاه شد و اسم شهرش عویت بود. ۴۷ و هدد مُرد و سمله از مسریقه به جایش پادشاه شد. ۴۸ و سمله مُرد و شائول از رُحوبوت نهر به جایش پادشاه شد. ۴۹ و شائول مُرد و بعل حانان بن عکبور به جایش پادشاه شد. ۵۰ و بعل حانان مُرد و هدد به جایش پادشاه شد؛ و اسم شهرش فاعی و اسم زنش مهیطبیل دختر مطرد دختر می دهب بود. ۵۱ و هدد مُرد و امیران آدوم امیر یمناع و امیر آیه و امیر یتیت بودند؛ ۵۲ و امیر اهلویامه و امیر ایله و امیر فینون؛ ۵۳ و امیر قناز و امیر تیمان و امیر مبصار؛ ۵۴ و امیر مجدیل و امیر عیرام؛ اینان امیران آدوم بودند.

۵ و پسران فارص: حصرون و حامول. ۶ و پسران زارح: زمری و ایتان و هیمان و کلکول و دارع که همگی ایشان پنج نفر بودند. ۷ و از پسران گرمی، عاکار مضطرب کننده اسرائیل بود که درباره چیز حرام خیانت ورزید. ۸ و پسر ایتان: عزریا بود.

۹ و پسران حصرون که برای وی زاییده شدند، یرحمئیل و رام و کلوبای. ۱۰ و رام عمیناداب را آورد و عمیناداب نَحشون را آورد که رئیس بنی یهودا بود. ۱۱ و نَحشون سلما را آورد و سلما بُوعز را آورد. ۱۲ و بُوعز عوبید را آورد و عوبید یسی را آورد. ۱۳ و یسی نخست زاده خویش الیاب را آورد، و دومین ایناداب را، و سومین شمعی را، ۱۴ و چهارمین نتئیل را و پنجمین ردای را، ۱۵ و ششمین اوصم را و هفتمین داود را آورد. ۱۶ و خواهران ایشان صرویه و ابیحایل بودند. و پسران صرویه، آبشای و یوآب و عسائیل، سه نفر بودند. ۱۷ و ابیحایل عماسا را زایید و پدر عماسا یتر اسماعیلی بود.

۱۸ و کالیب بن حصرون از زن خود عزوبه و از یریغوت اولاد به هم رسانید و پسران وی اینانند: یاشر و شوباب و اژدون. ۱۹ و عزوبه مُرد و کالیب آفرات را به زنی گرفت و او حور را

## پسران اسرائیل

پسران اسرائیل اینانند: رؤبین و شمعون و لاوی و یهودا و یساکار و زبولون و ۲

آورد و ناتان زاباد را آورد. ۳۷ و زاباد أَفْلال را آورد و أَفْلال عوبید را آورد. ۳۸ و عوبید یِهُو را آورد، و ییهو عَزْرِیا را آورد. ۳۹ و عَزْرِیا حَالِص را آورد و حالص اَلْعاسَه را آورد. ۴۰ و اَلْعاسَه سَسْمای را آورد و سَسْمای شَلُوم را آورد. ۴۱ و شَلُوم یَقْمِیا را آورد و یَقْمِیا اَلِیْسَمَع را آورد.

۴۲ و بنی کالیب برادر یِرْحَمْتِیل نخست زاده اش میشاع که پدر زَیف باشد و بنی ماریشه که پدر حَبْرُون باشد بودند. ۴۳ و پسران حَبْرُون: قُورِح و تَفُوح و راقم و شامع. ۴۴ و شامع راحم پدر یُرْقَعام را آورد و راقم شَمای را آورد. ۴۵ و پسر شَمای ماعئون و ماعون پدر بَیت صُور بود. ۴۶ و عِیْقَه مُتعه کالیب حاران و موسا و جازیز را زاید و حاران جازیز را آورد. ۴۷ و پسران یهدای راجم و یوتام و جیشان و فالت و عیقه و شاعف. ۴۸ و معکه مُتعه کالیب، شابر و تِرْحَنه را زاید. ۴۹ و او نیز شاعف، پدر مَدَمَه و شوا، پدر مَكْبِینا و پدر جَبعا را زاید؛ و دختر کالیب عَكْسَه بود. ۵۰ و پسران کالیب بن حور نخست زاده افراته اینانند: شوبال پدر قریه یعاریم، ۵۱ و سلما پدر بیت لحم و حاریف پدر بیت جادر. ۵۲ و پسران شوبال پدر قریه یعاریم اینانند: هرّواه و نصف مَنُحوت. ۵۳ و قبایل قریه یعاریم اینانند: یتریان و فُوتیان و شُوماتیان و مِشراعیان که از ایشان صازعاتیان و اِشْطَاطِلیان پیدا شدند. ۵۴ و بنی سلما بیت لحم و نطوفاتیان و عَطْرُوت بیت یُواب و نصف مانحُتیان و صُرعیان بودند. ۵۵ و قبایل کاتبانی که در یعیبص ساکن بودند، تِرْعاتیان و شمعاتیان و سُوکاتیان بودند. اینان قینیانند که از حَمْت پدر بیت ریکاب بیرون

برای وی زاید. ۲۰ و حور، اوری را آورد و اوری بَصْلَثِیل را آورد.

۲۱ و بعد از آن، حَصْرُون به دختر ماکیر پدر جلعاد درآمده، او را به زنی گرفت حینی که شصت ساله بود و او سَجُوب را برای وی زاید. ۲۲ و سَجُوب یائیر را آورد و او بیست و سه شهر در زمین جلعاد داشت. ۲۳ و او جَشُور و آرام را که حوُوب یائیر باشد، با قنات و دهات آنها که شصت شهر بود، از ایشان گرفت و جمیع اینها از آن بنی ماکیر پدر جلعاد بودند. ۲۴ و بعد از آنکه حَصْرُون در کالیب افراته وفات یافت، آبیّه زن حَصْرُون اَشْحُور پدر تَفُوح را برای وی زاید.

۲۵ و پسران یِرْحَمْتِیل نخست زاده حَصْرُون نخست زاده اش: رام و بُونَه و اُورَن و اُوصَم و اَحْیا بودند. ۲۶ و یِرْحَمْتِیل را زن دیگر مَسْمَا به عطازه بود که مادر اُونام باشد. ۲۷ و پسران رام نخست زاده یِرْحَمْتِیل مَعِص و یامین و عاقر بودند. ۲۸ و پسران اُونام: شَمای و یاداع بودند، و پسران شَمای ناداب و آبیشور. ۲۹ و اسم زن آبیشور اَبِیحالِیل بود و او اَحْبان و مولید را برای وی زاید. ۳۰ و پسران ناداب سَلَد و اَفایم بودند و سَلَد بی اولاد مُرد. ۳۱ و بنی اَفایم یِشعی و بنی یِشعی شیشان و بنی شیشان اَحْلاّی. ۳۲ و پسران یاداع برادر شَمای یتر و یوناتان؛ و یتر بی اولاد مُرد. ۳۳ و پسران یوناتان: فالت و زازا. اینها پسران یِرْحَمْتِیل بودند. ۳۴ و شیشان را پسری نبود اما دختران داشت و شیشان را غلامی مصری بود که یِرْحاع نام داشت. ۳۵ و شیشان دختر خود را به غلام خویش یِرْحاع به زنی داد و او عَتای را برای وی زاید. ۳۶ و عتای ناتان را

آمدند.

پسر او شَالْتَيْئِيل. ۱۸. و مَلْکِیرام و فَدایا و سَنَّاَصَّر و یَقَمِّیا و هوشاماع و نَدَبِیا. ۱۹. و پسران فَدایا زَرُبَابِل و شَمْعِی و پسران زَرُبَابِل مَشْلَام و حَنْنِیا و خواهر ایشان شَلومیت بود. ۲۰. و حَشُوبَه و اُوَهْل و بَرَحِیا و حَسَدِیا و یُوُشَب حَسَد که پنج نفر باشند. ۲۱. و پسران حَنْنِیا فَلَطْیا و اِشْعِیا، بنی رفایا و بنی اَرزان و بنی عُوَبَدِیا و بنی شَكْنِیا. ۲۲. و پسر شَكْنِیا شَمْعِیا و پسران شَمْعِیا، حَطُوش و یِحَال و باریح و نَعْرِیا و شافاط که شش باشند. ۲۳. و پسران نَعْرِیا اَلیُوَعینای و حِرْقِیا و عَزْرِیقام که سه باشند. ۲۴. و بنی اَلیُوَعینای هُوَدایا و اَلِیاشِیب و فَلَایا و عَقُوب و یوحانان و دَلایاع و عَنانی که هفت باشند.

### بقیه سبط یهودا

بنی یهودا: فَارَص و حَضْرُون و کَرَمِی و حور و شوبال. ۲. و زَایا ابن شوبال یَحْت را آورد و یَحْت اَحومای و لاهَد را آورد. اینانند قبایل صَرَعاتیان. ۳. و اینان پسران پدر عیطام اند: یَزْرَعِیل و یَشْما و یُدْباش و اسم خواهر ایشان هَضَلْفُونِسی بود. ۴. و فَنُوئِیل پدر جَدور و عازَر پدر خُوشَه اینها پسران حور نخست زاده افراته پدر بیت لحم بودند. ۵. و اَشْحور پدر تَقوع دو زن داشت: حَلا و نَعْرَه. ۶. و نَعْرَه، اَحْزَام و حافر و تِیمانی و اَحْشَطاری را برای او زایید: اینان پسران نَعْرَه اند. ۷. و پسران حَلا: صَرَت و صُوَحَر و اَتان. ۸. و قُوس عانوب و صُوبِیسه و قبایل اَحْرَحِیل بن هارم را آورد.

۹. و یَغِیِص از برادران خود شریف تر بود و مادرش او را یَغِیِص نام نهاد و گفت: «از این

### پسران داود

۳ و پسران داود که برای او در حَبْرُون زاییده شدند، اینانند: نخست زاده اش اَمْنون از اَحِیئوعَم یَزْرَعِیلیه؛ و دومین دانیال از اَبِجائِیل کَرْمَلِیه؛ ۲. و سومین ابشالوم پسر مَعْکَه دختر تَلْمای پادشاه جَشور؛ و چهارمین اُدوتِیا پسر حَجِیت. ۳. و پنجمین شَفَطْیا از اَبِطال و ششمین یَتْرَعام از زن او عَجَلَه. ۴. این شش برای او در حَبْرُون زاییده شدند که در آنجا هفت سال و شش ماه سلطنت نمود و در اورشلیم سی و سه سال سلطنت کرد. ۵. و اینها برای وی در اورشلیم زاییده شدند: شَمْعِی و شوباب و ناتان و سُلیمان. این چهار از بَشُوع دختر عَمِیئیل بودند. ۶. و یَبِیحار و الیشامع و اَلیفالط. ۷. و نُوجَه و نافع و یافیع. ۸. و اَلِیشَمع و اَلِیاداع و اَلِیْفَلط که نه نفر باشند. ۹. همه اینها پسران داود بودند سوای پسران مُتعه‌ها. و خواهر ایشان تامار بود.

### پادشاهان یهودا

۱۰. و پسر سُلیمان، رَحْبَعام و پسر او ابِیا و پسر او آسا و پسر او یَهُوشافاط. ۱۱. و پسر او یورام و پسر او اَحْزَیا و پسر او یوآش. ۱۲. و پسر او اَمْضِیا و پسر او عَزْرِیا و پسر او یوتام. ۱۳. و پسر او آحاز و پسر او حِرْقِیا و پسر او مَتْسِی. ۱۴. و پسر او آمون و پسر او یوشیتا. ۱۵. و پسران یوشیتا نخست زاده اش یوحانان و دومین یَهُویاقیم و سومین صِدَقْیا و چهارمین شَلوم. ۱۶. و پسران یَهُویاقیم پسر او یَکْنِیا و پسر او صِدَقْیا. ۱۷. و پسران یَکْنِیا اَشیر و

مَلِك داشتند، و یَسُوْبی لَحْم؛ و این وقایع قدیم است. ۲۳. و اینان کوزه گر بودند با ساکنان نتاعیم و جدیره که در آنجاها نزد پادشاه به جهت کار او سکونت داشتند.

### پسران شَمْعون

۲۴ پسران شَمْعون: نَمُوئیل و یامین و یاریب و زارح و شانول. ۲۵. و پسرش سَلْم و پسرش مِیْسام و پسرش مِشْماع. ۲۶. و بنی مِشْماع پسرش حموئیل و پسرش زَکُور و پسرش شِمعی. ۲۷. و شِمعی را شانزده پسر و شش دختر بود و اما برادرانش را پسران بسیار نبود و همه قبایل ایشان مثل بنی یهودا زیاد نشدند. ۲۸. و ایشان در بئر شَبَع و مَوْلاده و حَصْر شُوْأَل، ۲۹. و در بَلْهه و عاصم و تولاد، ۳۰. و در بَتُوئیل و حُرْمه و صِقْلَغ، ۳۱. و در بیت مَرْکَبوت و حَصْر سوسیم و بیت بَرئیی و شَعْرایم ساکن بودند. اینها شهرهای ایشان تا زمان سلطنت داود بود. ۳۲. و قریه‌های ایشان عیظام و عین و رمون و تُوکن و عاشان، یعنی پنج قریه بود، ۳۳. و جمیع قریه‌های ایشان که در پیرامون آن شهرها تا بَعْل بود. پس مسکنهای ایشان این است و نسب‌نامه‌های خود را داشتند. ۳۴. و مَشوبات و میمیک و یُوْشَه بن اَمْصیا، ۳۵. و یُوئیل و یِیْهُو ابن یوشیئا ابن سَرایا ابن عَسِیئیل، ۳۶. و اَلیو عینای و یَعْکوبه و یشوحایا و عَسایا و عِدِیئیل و یسیمیئیل و بنایا، ۳۷. و زیزا ابن شَفعی ابن اَلوْن بن یدایا ابن شِمْری ابن شَمْعیا، ۳۸. اینانی که اسم ایشان مذکور شد، در قبایل خود رؤسا بودند و خانه‌های آبابی ایشان بسیار زیاد شد. ۳۹. و به مدخل جَدُور تا طرف شرقی وادی رفتند

جهت که او را با حُزن زاییدم. ۱۰. و یَعِیص از خدای اسرائیل استدعا نموده، گفت: «کاش که مرا برکت می‌دادی و حدود مرا وسیع می‌گردانیدی و دست تو با من می‌بود و مرا از بلا نگاه می‌داشتی تا محزون نشوم.» و خدا آنچه را که خواست به او بخشید.

۱۱. و کَلُوب برادر شُوْحه مَحِیر را که پدر اَشْتون باشد آورد. ۱۲. و اَشْتون بیت رافا و فاسیح و تَحْنَه پدر عَیر ناحاش را آورد. اینان اهل رِیْقَه می‌باشند. ۱۳. و پسران قَناز و عُنْثِیئیل و سَرایا بودند؛ و پسر عُنْثِیئیل حَتَات. ۱۴. و مَعُونوتای عَفْرَه را آورد و سَرایا، یُوْأب پدر جیحراشیم را آورد، زیرا که صنعتگر بودند. ۱۵. و پسران کالیب بن یَفْنَه، عَیرو و ایله و ناعم بودند؛ و پسر ایله قَناز بود.

۱۶. و پسران یَهْلئیل، زیف و زیفه و تیریا و اَسْرئیل. ۱۷. و پسران عَزْرَه یَتر و مَرْد و عَافِر و یالون (وزن مَرْد) مَریم و شَمای و یَشِیج پدر اَشْتَمُوْع را زایید.

۱۸. و زن یهودیه او یازد، پدر جَدُور، و جابِر پدر سُوکو و یقوتئیل پدر زانوح را زایید. اما آنان پسران بَئیه دختر فرعون که مَرْد او را به زنی گرفته بود می‌باشند. ۱۹. و پسران زن یهودیه او که خواهر نَحْم بود پدر قعیله جَرْمی و اَشْتَمُوْع مَعْکاتی بودند. ۲۰. و پسران شیمون: اَمْنون و رِئنه و بَنحانان و تیلون و پسران یَشعی زُوْحیت و بَنزُوْحیت. ۲۱. و بنی شیلَه بن یهودا، عیر پدر لیکه، و لَعْدَه پدر مَریشَه و قبایل خاندان عاملان کتان نازک از خانواده اَشْبیع بودند. ۲۲. و یوقیم و اهل کوزیبا و یُوْأش و ساراف که در مواب

بود. ۷ و برادرانش برحسب قبایل ایشان وقتی که نسب‌نامه موالید ایشان ثبت گردید، مقدم ایشان یعیثیل بود و زکریّا، ۸ و بَالَع بن عَزَّاز بن شامع بن یُوئیل که در عَرُوعیر تا نَبُو و بَعْل مَعُون ساکن بود، ۹ و به طرف مشرق تا مدخل بیابان از نهر فرات سکنان گرفت، زیرا که مواشی ایشان در زمین جِلْعَاد زیاده شد. ۱۰ و در ایام شاتول ایشان با حاجرین جنگ کردند و آنها به دست ایشان افتادند و در خیمه‌های آنها در تمامی اطراف شرقی جِلْعَاد ساکن شدند.

### پسران جاد

۱۱ و بنی جاد در مقابل ایشان در زمین باشان تا سَلْحَه ساکن بودند. ۱۲ و مقدّم ایشان یُوئیل بود و دومین شافام و یَعْنای و شافاط در باشان (ساکن بود). ۱۳ و برادران ایشان برحسب خانه‌های آبای ایشان، میکائیل و مَشْلَام و مَشَبَع و یورای و یَعْکان و زَبَع و عَابَر که هفت نفر باشند. ۱۴ اینانند پسران ابیحایل بن حوری ابن یاروح بن جِلْعَاد بن میکائیل بن ییشیشای بن یَحْدُو ابن بوز. ۱۵ آخی ابن عبدیثیل بن جونی رئیس خاندان آبای ایشان. ۱۶ و ایشان در جِلْعَاد باشان و قریه‌هایش و در تمامی نواحی شارون تا حدود آنها ساکن بودند. ۱۷ و نسب‌نامه جمیع آنها در ایام یوتام پادشاه یهودا و در ایام یَرُبْعَام پادشاه اسرائیل ثبت گردید.

۱۸ از بنی رُؤبیین و جادیان و نصف سبط مَسَسی شجاعان و مردانی که سپر و شمشیر برمی‌داشتند و تیراندازان و جنگ‌آزمودگان که به جنگ بیرون می‌رفتند، چهل و چهار هزار و هفت صد و

تا برای گله‌های خویش چراگاه بجویند. ۴۰ پس مرتعی برومند نیکو یافتند و آن زمین وسیع و آرام و ایمن بود، زیرا که آل حَام در زمان قدیم در آنجا ساکن بودند. ۴۱ و اینانی که اسم ایشان مذکور شد، در ایام حَزْقِیّا پادشاه یهودا آمدند و خیمه‌های ایشان و معونیان را که در آنجا یافت شدند، شکست دادند و ایشان را تا به امروز تباه ساخته، در جای ایشان ساکن شده‌اند زیرا که مرتع برای گله‌های ایشان در آنجا بود. ۴۲ و بعضی از ایشان، یعنی پانصد نفر از بنی شَمْعُون به کوه سَعِیر رفتند؛ و فَلَطِیَا و نَعْرِیَا و رَفَایَا و عَرِیْثِیل پسران یشیع رؤسای ایشان بودند. ۴۳ و بقیه عَمَالَقَه را که فرار کرده بودند، شکست داده، تا امروز در آنجا ساکن شده‌اند.

### پسران رُؤبیین

و پسران رُؤبیین نخست‌زاده اسرائیل ۵ اینانند: (زیرا که او نخست‌زاده بود و اما به سبب بی‌عصمت ساختن بستر پدر خویش، حق نخست‌زادگی او به پسران یوسف بن اسرائیل داده شد. از این جهت نسب‌نامه او برحسب نخست‌زادگی ثبت نشده بود. ۲ زیرا یهودا بر برادران خود برتری یافت و پادشاه از او بود؛ اما نخست‌زادگی از آن یوسف بود). ۳ پس پسران رُؤبیین نخست‌زاده اسرائیل: حَنُوک و فُلُو و حَضْرُون و کَرْمِی. ۴ و پسران یُوئیل: پسرش شَمْعِیَا و پسرش جوج و پسرش شَمْعِی؛ ۵ و پسرش میکا و پسرش رَایَا و پسرش بَعْل؛ ۶ و پسرش بَیْرَه که تَلَعْت فُلَنَاسِر پادشاه اَشُور را و را به اسیری بُرد و او رئیس رُؤبیینان

و بنی هارون: ناداب و ابیهو و آیعازار و ایتامار.  
 ۴ و الیعازار فیَنحاس را آورد و فیَنحاس ابیشوع  
 را آورد. ۵ و ابیشوع بقی را آورد و بقی عزی را  
 آورد. ۶ و عزی زرخیا را آورد و زرخیا مرایوت را  
 آورد. ۷ و مرایوت امزیا را آورد و امزیا اخیطوب  
 را آورد. ۸ و اخیطوب صادوق را آورد و صادوق  
 اخیمغص را آورد. ۹ و اخیمغص عزریا را آورد  
 و عزریا یوحانان را آورد. ۱۰ و یوحانان عزریا را  
 آورد و او در خانه‌ای که سلیمان در اورشلیم بنا  
 کرد، کاهن بود. ۱۱ و عزریا امزیا را آورد و امزیا  
 اخیطوب را آورد. ۱۲ و اخیطوب صادوق را آورد  
 و صادوق شلوم را آورد. ۱۳ و شلوم حلقیا را  
 آورد و حلقیا عزریا را آورد. ۱۴ و عزریا سرایا را  
 آورد و سرایا بهوصادق را آورد. ۱۵ و بهوصادق  
 به اسیری رفت هنگامی که خداوند یهودا و  
 اورشلیم را به دست نبوکدنصر اسیر ساخت.  
 ۱۶ پسران لای: جرشوم و قهات و مراری.  
 ۱۷ و اینها است اسمهای پسران جرشوم: لیئنی  
 و شمعی. ۱۸ و پسران قهات: عمرام و یضهار  
 و حبرون و عزرییل. ۱۹ و پسران مراری: محلی  
 و موشی پس اینها قبایل لایان بر حسب اجداد  
 ایشان است. ۲۰ از جرشوم پسرش لیئنی، پسرش  
 یحت، پسرش زمه. ۲۱ پسرش یوآخ پسرش عدو  
 پسرش زارح پسرش یاترای. ۲۲ پسران قهات،  
 پسرش عمیناداب پسرش قورح پسرش آسیر.  
 ۲۳ پسرش آلقانه پسرش ابیآساف پسرش آسیر.  
 ۲۴ و پسرش تحت پسرش اوررییل پسرش عزریا،  
 پسرش شائول. ۲۵ و پسران آلقانه عماسای و  
 اخیموت. ۲۶ و اما آلقانه، پسران آلقانه پسرش  
 صوفای پسرش نحت. ۲۷ پسرش الیآب پسرش

شصت نفر بودند. ۱۹ و ایشان با حاجریان و یطور  
 و نافیش و نوداب جنگ نمودند. ۲۰ و بر ایشان  
 نصرت یافتند و حاجریان و جمیع رفقای آنها به  
 دست ایشان تسلیم شدند زیرا که در حین جنگ  
 نزد خدا استغاثه نمودند و او ایشان را چونکه بر  
 او توکل نمودند، اجابت فرمود. ۲۱ پس از مواشی  
 ایشان، پنجاه هزار شتر و دویست و پنجاه هزار  
 گوسفند و دو هزار الاغ و صد هزار مرد به تاراج  
 بردند. ۲۲ زیرا چونکه جنگ از جانب خدا بود،  
 بسیاری مقتول گردیدند. پس ایشان به جای آنها  
 تا زمان اسیری ساکن شدند.

۲۳ و پسران نصف سبط منسی در آن زمین  
 ساکن شده، از باشان تا بعل خزمون و سنیر  
 و کوه خزمون زیاد شدند. ۲۴ و اینانند رؤسای  
 خاندان آبی ایشان عافر و یشعی و آلییل و  
 عزرییل و ازمیا و هوذویا و یخدییل که مردان  
 تنومند شجاع و ناموران و رؤسای خاندان آبی  
 ایشان بودند. ۲۵ اما به خدای پدران خود خیانت  
 ورزیده، در پی خدایان قومهای آن زمین که  
 خدا آنها را به حضور ایشان هلاک کرده بود،  
 زنا کردند. ۲۶ پس خدای اسرائیل روح فول  
 پادشاه آشور و روح تلعت فلناسر پادشاه آشور  
 را برانگیخت که او رؤیینان و جادیان و نصف  
 سبط منسی را اسیر کرده، ایشان را به حلب و  
 خابور و هارا و نهر جوزان تا امروز بُرد.

### پسران لای

بنی لای: جرشون و قهات و مراری. ۲ و  
 بنی قهات: عمرام و یضهار و حبرون و  
 عزرییل. ۳ و بنی عمرام: هارون و موسی و مریم.

تمامی خدمت مسکن خانه خدا گماشته شدند. ۴۹ و اما هارون و پسرانش بر مذبح قربانی سوختنی و بر مذبح بخور به جهت تمامی عمل قدس الاقداس قربانی می گذرانیدند تا به جهت اسرئیل موافق هر آنچه موسی بنده خدا امر فرموده بود، کفارہ نمایند. ۵۰ و اینانند پسران هارون: پسرش العازار، پسرش فینحاس، پسرش ابیشوع. ۵۱ پسرش قتی، پسرش عزی، پسرش زرخیا، ۵۲ پسرش مرثوت پسرش امریا پسرش اخیطوب، ۵۳ پسرش صادوق، پسرش اخیمص.

۵۴ و مسکن های ایشان برحسب موضع ها و حدود ایشان اینها است: از پسران هارون به جهت قبایل قهاتیان زیرا قرعه اول از آن ایشان بود. ۵۵ پس حبرون در زمین یهودا باحوالی آن به هر طرفش به ایشان داده شد. ۵۶ و اما زمینهای آن شهر و دهاتش را به کالیب بن یفنه دادند. ۵۷ به پسران هارون به جهت شهرهای ملجا حبرون و لبته و حوالی آن، و یتیر و اشموع و حوالی آن را دادند. ۵۸ و جیلین و حوالی آن را و دبیر و حوالی آن را، ۵۹ و عاشان و حوالی آن را و بیت شمس و حوالی آن را، ۶۰ و از سبط بنیامین جبع و حوالی آن را و علمت و حوالی آن را و عناتوت و حوالی آن را. پس جمیع شهرهای ایشان برحسب قبایل ایشان سیزده شهر بود.

۶۱ و به پسران قهات که از قبایل آن سبط باقی ماندند، ده شهر از نصف سبط یعنی از نصف منسی به قرعه داده شد. ۶۲ و به بنی جرشوم برحسب قبایل ایشان از سبط یساکار و از سبط اشیر و از سبط نفتالی و از سبط منسی در باشان

یروحام پسرش القانه. ۲۸ و پسران سموئیل نخست زاده اش و شنی و دومش ابیا. ۲۹ پسران مراری محلی و پسرش لینی پسرش شمعی پسرش عزه. ۳۰ پسرش شمعی پسرش هجیا پسرش عسایا.

### سرایندگان در هیکل

۳۱ و اینانند که داود ایشان را بر خدمت سرود در خانه خداوند تعیین نمود بعد از آنکه تابوت مستقر شد. ۳۲ و ایشان پیش مسکن خیمه اجتماع مشغول سرابیدن می شدند تا حینی که سلیمان خانه خداوند را در اورشلیم بنا کرد. پس برحسب قانون خویش بر خدمت خود مواظب شدند. ۳۳ پس آنهایی که با پسران خود معین شدند، اینانند: از بنی قهاتیان همان مغنی ابن یوئیل بن سموئیل. ۳۴ بن القانه بن یروحام بن الیئیل بن نوح، ۳۵ ابن صوف بن القانه بن مهت بن عماسای، ۳۶ ابن القانه بن یوئیل بن عزریاء بن صفنیا، ۳۷ ابن تحت بن اسیر بن ابیاساف بن قورح، ۳۸ ابن یضهار بن قهات بن لاوی بن اسرئیل. ۳۹ و برادرش آساف که به دست راست وی می ایستاد. آساف بن برکیا ابن شمعی، ۴۰ ابن میکائیل بن بعمسیا ابن ملکیا، ۴۱ ابن اتنی ابن زارح بن عدایا، ۴۲ ابن ایتان بن زمه بن شمعی، ۴۳ ابن یحت بن جرشوم بن لاوی. ۴۴ و به طرف چپ برادران ایشان که پسران مراری بودند: ایتان بن قیشی ابن عبیدی ابن ملوک، ۴۵ ابن حشیا ابن امصیا ابن حلقیا، ۴۶ ابن امصی ابن بانی ابن شامر، ۴۷ ابن محلی ابن موشی ابن مراری ابن لاوی. ۴۸ و لاویانی که برادران ایشان بودند، به



آن و یَهْصَه را با حوالی آن. ۷۹ و قدیموت را با حوالی آن و مَفْعَه را با حوالی آن. ۸۰ و از سبط جاد راموت را در جَلْعَاد با حوالی آن و مَحْنَانِیم را با حوالی آن. ۸۱ و حَشْبُون را با حوالی آن و یَعْزِیر را با حوالی آن.

### پسران یساکار

و اما پسران یَساکار: تولاع و فُوَه و یاشوب و شَمْرُون چهار نفر بودند. ۲ و پسران تولاع: عَزْی و رفایا و یربیتیل و یَحْمای و یِسام و سموئیل؛ ایشان رؤسای خاندان پدر خود تولاع و مردان قوی شجاع در انساب خود بودند، و عدد ایشان در ایام داود بیست و دو هزار و ششصد بود. ۳ و پسر عَزْی، یَزْرَحْیا و پسران یَزْرَحْیا، میکائیل و عوبدْیا و یوئیل و یَشِیّا که پنج نفر و جمیع آنها رؤسا بودند. ۴ و با ایشان برحسب انساب ایشان و خاندان آبابی ایشان، فوجهای لشکر جنگی سی و شش هزار نفر بودند، زیرا که زنان و پسران بسیار داشتند. ۵ و برادران ایشان از جمیع قبایل یَساکار مردان قوی شجاع هشتاد و هفت هزار نفر جمیعاً در نسب نامه ثبت شدند.

### پسران بنیامین

۶ و پسران بنیامین: بَالَع و باکَر و یدیعئیل، سه نفر بودند. ۷ و پسران بَالَع: اَصْبُون و عَزْی و عَزْبِئیل و یریموت و عیری، پنج نفر رؤسای خاندان آبا و مردان قوی شجاع که بیست و دو هزار و سی و چهار نفر از ایشان در نسب نامه ثبت گردیدند. ۸ و پسران باکَر: زَمیره و یوعاش

سیزده شهر. ۶۳ و به پسران مَراری برحسب قبایل ایشان از سبط رُوْبین و از سبط جاد و از سبط زبولون دوازده شهر به قرعه داده شد. ۶۴ پس بنی اسرائیل این شهرها را با حوالی آنها به لاویان دادند. ۶۵ و از سبط بنی یهوودا و از سبط بنی شَمْعون و از سبط بنی بنیامین این شهرها را که اسم آنها مذکور است به قرعه دادند.

۶۶ و بعضی از قبایل بنی قَهات شهرهای حدود خود را از سبط افرایم داشتند. ۶۷ پس شکیم را با حوالی آن در کوهستان افرایم و جازر را با حوالی آن به جهت شهرهای ملجا به ایشان دادند. ۶۸ و یُقَمْعام را با حوالی آن و بیت حورُون را با حوالی آن. ۶۹ و ایلسون را با حوالی آن و جت رمون را با حوالی آن. ۷۰ و از نصف سبط مَنَسی، عانیر را با حوالی آن، و بلعام را با حوالی آن، به قبایل باقی مانده بنی قَهات دادند.

۷۱ و به پسران جَزْشوم از قبایل نصف سبط مَنَسی، جُولان را در باشان با حوالی آن و عَشْتاروت را با حوالی آن. ۷۲ و از سبط یَساکار قَادش را با حوالی آن و دَبْرَه را با حوالی آن. ۷۳ و راموت را با حوالی آن و عانیم را با حوالی آن. ۷۴ و از سبط اَشیر مَسْال را با حوالی آن و عَبْدُون را با حوالی آن. ۷۵ و حَقُوق را با حوالی آن و رَحُوب را با حوالی آن. ۷۶ و از سبط نَفْتالی قَادش را در جَلِیل با حوالی آن و حَمون را با حوالی آن و قِرِیْتایم را با حوالی آن. ۷۷ و به پسران مَراری که از لاویان باقی مانده بودند، از سبط زبولون رمون را با حوالی آن و تابور را با حوالی آن. ۷۸ و از آن طرف اُزْدُن در برابر اریحا به جانب شرقی اُزْدُن از سبط رُوْبین، باصْر را در بیابان با حوالی

### پسران افرایم

۲۰ و پسران افرایم شوتالح و پسرش بازو و پسرش تَحْت و پسرش اَلْعَادا و پسرش تَحْت. ۲۱ و پسرش زاباد و پسرش شوتالح و عازر و اَلْعَاد که مردان حَتّ که در آن زمین مولود شدند، ایشان را کشتند زیرا که برای گرفتن مواشی ایشان فرود آمده بودند. ۲۲ و پدر ایشان افرایم به جهت ایشان روزهای بسیار ماتم گرفت و برادرانش برای تعزیت وی آمدند. ۲۳ پس نزد زن خود درآمد و او حامله شده، پسری زایید و او را برِیعَه نام نهاد، از این جهت که در خاندان او بلایی عارض شده بود. ۲۴ و دخترش شیریه بود که بیت حورون پایین و بالا را و اَزین شیریه را بنا کرد. ۲۵ و پسرش رافح و راشف، و پسرش تالح، و پسرش تاخن، ۲۶ پسرش لعدان، و پسرش عمههود، و پسرش اَلِیْسَمَع، ۲۷ و پسرش نون، و پسرش یهوشوع، ۲۸ و املاک و مسکن‌های ایشان بیت‌ئیل و دهات آن بود و به طرف مشرق نَعْران و به طرف مغرب جازر و دهات آن و شکیم و دهات آن تا عَزّه و دهات آن. ۲۹ و نزد حدود بنی مَنَسّی بیت‌شان و دهات آن و تَعْناک و دهات آن و مَجْدو و دهات آن و دُور و دهات آن که در اینجا پسران یوسف بن اسرائیل ساکن بودند.

### پسران اشیر

۳۰ پسران اشیر، یَمْنَه و یِشوه و یِشوی و بَرِیعَه بودند، و خواهر ایشان سارح بود. ۳۱ و پسران برِیعَه، حابر و مَلْکِیئیل که همان پدر بَرِزَاوَت باشد. ۳۲ و حابر، یَقْلِب و شومیر و حوتام و خواهر ایشان شوعا را آورد. ۳۳ و پسران یَقْلِب

و اَلِیْعازار و اَلِیْوَعینای و عُمَری و بریموت و اَبیا و عَنائوت و علامت. جمیع اینها پسران باکر بودند. ۹ و بیست هزار و دویست نفر از ایشان برحسب انساب ایشان، رؤسای خاندان آبای ایشان مردان قوی شجاع در نسب‌نامه ثبت شدند. ۱۰ و پسر یَدِیْعِیل: بلهان و پسران بلهان: یعیش و بنیامین و ایهود و کَعْنَه و زیتان و تَزْشیش و اَخِیشاخر. ۱۱ جمیع اینها پسران یَدِیْعِیل برحسب رؤسای آبا و مردان جنگی شجاع هفده هزار و دویست نفر بودند که در لشکر برای جنگ بیرون می‌رفتند. ۱۲ و پسران عیر: شَقِیم و حَفِیم و پسر اَحیر حوشیم.

### پسران نفتالی

۱۳ و پسران نفتالی: یَحْصِیئیل و جُونی و یَصْر و شَلوم از پسران بلهه بودند.

### پسران منسی

۱۴ پسران منسی اَشْرِیئیل که همسرش او را زایید، و ماکیر پدر جلعاد که متعه آرامیه وی او را زایید. ۱۵ و ماکیر خواهر حَفِیم و شَقِیم را که مَعْکَه نام داشت، به زنی گرفت؛ و اسم پسر دوم او صَلْفُحاد بود؛ و صَلْفُحاد دختران داشت. ۱۶ و مَعْکَه زن ماکیر پسری زاییده، او را فَاَرَش نام نهاد و اسم برادرش شارش بود و پسرانش، اُولام و راقم بودند. ۱۷ و پسر اُولام بدان بود. اینانند پسران جلعاد بن ماکیر بن منسی. ۱۸ و خواهر او هَمُولْکَه ایشهود و اَبِیْعَزْر و مَحْلَه را زایید. ۱۹ و پسران شمیداع اَحْیان و شکیم و لَقْحی و اَنِیعام.

نهاد بودند. ۱۳ و بریعه و شامع که ایشان رؤسای خاندان آبای ساکنان ایلون بودند و ایشان ساکنان جت را اخراج نمودند. ۱۴ و اخیو و شاشق و بریموت. ۱۵ و زبئیا و عارد و عادر. ۱۶ و میکائیل و یشفه و یوفا پسران بریعه بودند. ۱۷ و زبئیا و مشلام و جزقی و حابر، ۱۸ و یشمرا و یزلیاه و یوباب پسران الفعل بودند. ۱۹ و یعقیم و زکری و زبئی، ۲۰ و الیعنای و صلئای و ابلیئیل، ۲۱ و آدایا و بریا و شمئرت پسران شمعی، ۲۲ و یشفان و عابر و ابلیئیل. ۲۳ و عبئون و زکری و حانان، ۲۴ و حنئیا و عیلام و عنتوتیا، ۲۵ و یفدیا و فنوتیل پسران شاشق بودند. ۲۶ و شمشرای و شحزیا و عتلیا. ۲۷ و یعرشیا و ایلیا و زکری پسران یرحام بودند. ۲۸ اینان رؤسای خاندان آبا برحسب انساب خود و سرداران بودند و ایشان در اورشلیم سکونت داشتند.

۲۹ و در جیعون پدر جیعون سکونت داشت و اسم زنش معکه بود. ۳۰ و نخست زاده اش عبئون بود، پس صور و قیس و بعل و ناداب، ۳۱ و جدور و اخیو و زاکر؛ ۳۲ و مقلوت شمآه را آورد و ایشان نیز با برادران خود در اورشلیم در مقابل برادران ایشان ساکن بودند. ۳۳ و نیر قیس را آورد و قیس شائول را آورد و شائول یهوناتان و ملکیشوع و ابیناداب و اشبعل را آورد. ۳۴ و پسر یهوناتان مریب بعل بود و مریب بعل میکا را آورد. ۳۵ و پسران میکا، فیتون و مالک و تاریخ و آحاز بودند. ۳۶ و آحاز یهوعده را آورد، یهوعده علمست و عزموت و زمری را آورد و زمری موصا را آورد. ۳۷ و موصا بنعا را آورد و پسرش رافه بود و پسرش العاسه و پسرش اصیل

فاسک و بمهال و عشوت بودند. اینان بنی یفلط. ۳۴ و پسران شامراخی و زهجه و یحبه و آرام. ۳۵ و پسران هیلام برادر وی صوفح و یمناع و شالش و عامال بودند. ۳۶ و پسران صوفح، سُوح و حزنفر و شوعل و بیری و یمره. ۳۷ و باصر و هود و شمآ و شلشه و یثران و بیثرا. ۳۸ و پسران یتر، یفنه و فسفا و آرا. ۳۹ و پسران علا، آرح و حنیئیل و رصبا. ۴۰ جمیع اینها پسران اشیر و رؤسای خاندان آبای ایشان و برگزیدگان مردان جنگی و رؤسای سرداران بودند. و شماره ایشان که در لشکر برای جنگ برحسب نسب نامه ثبت گردید، بیست و شش هزار نفر بود.

### نسب نامه شائول

و بنیامین نخست زاده خود بالغ را آورد و دومین اشئیل و سومش آخرخ، ۲ و چهارم نُوحه و پنجم را فارا. ۳ و پسران بالغ: آدار و جیرا و ابیهود. ۴ و ابیشوع و نعمان و اُحوخ. ۵ و جیرا و شفوفان و حورام بودند. ۶ و اینانند پسران آحد که رؤسای خاندان آبای ساکنان جبع بودند و ایشان را به مناحت کوچانیدند. ۷ و او نعمان و اخیسا و جیرا را کوچانید و او عزرا و اخیحود را تولید نمود. ۸ و شحرام در شهرهای مواب بعد از طلاق دادن زنان خود حوشیم و بعا فرزندان تولید نمود. ۹ پس از زن خویش که خوداش نام داشت یوباب و ظیبا و میشا و ملکام را آورد. ۱۰ و یعوص و شکیا و مرّمه را که اینها پسران او و رؤسای خاندانهای آبا بودند. ۱۱ و از حوشیم ابیطوب و الفعل را آورد. ۱۲ و پسران الفعل عابر و مشعام و شامر که اوئو و لود و دهاتش را بنا

۱۰ و از کاهنان، یَدْعِیا و یَهُویاریب و یاکین،  
 ۱۱ و عَزْرِیا ابن حَلْقِیَّا ابن مَشْلَام بن صادوق بن  
 مَرأیوت بن آخِیطوب رئیس خانه خدا، ۱۲ و  
 عدایا ابن یِرُوحام بن فَشْحُور بن مَلْکِیَّا و مَعْسای  
 ابن عَدِیئیل بن یَحْزیره بن مَشْلَام بن مِشَلِیمِیت  
 بن اَمیر. ۱۳ و برادران ایشان که رؤسای خاندان  
 آبای ایشان بودند، هزار و هفتصد و شصت نفر  
 که مردان رشید به جهت عمل خدمت خانه خدا  
 بودند.

۱۴ و از لایوان شَمْعِیا ابن حَشُوب بن عَزْرِیقام  
 بن حَشْیِیا از بنی مَراری. ۱۵ و بَقْبَقْر و حازش و  
 جلال و مَتْنِیا ابن میکا ابن زُکری ابن آساف. ۱۶ و  
 عُوْبَدِیا ابن شَمْعِیا ابن جلال و بن یُدوئون و  
 بَرْخِیا ابن آسا ابن اَلْقانه که در دهات نَطُوفاتیان  
 ساکن بود.

۱۷ و در بانان، شَلُوم و عَقُوب و طَلْمُون و  
 اَخِیمان و برادران ایشان. و شَلُوم رئیس بود.  
 ۱۸ و ایشان تا الآن بر دروازه شرقی پادشاه  
 (می باشند) و در بانان فرقه بنی لاوی بودند.  
 ۱۹ و شَلُوم بن قُورِی ابن اَبِیآساف بن قُورَح و  
 برادرانش از خاندان پدرش یعنی از بنی قُورَح که  
 ناظران عمل خدمت و مستحفظان دروازه های  
 خیمه بودند و پدران ایشان ناظران اردوی  
 خداوند و مستحفظان مدخل آن بودند. ۲۰ و  
 فیَنحاس بن اَلعازار، سابق رئیس ایشان بود. و  
 خداوند با وی می بود. ۲۱ و زکریّا ابن مَشْلَمِیا  
 دربان دروازه خیمه اجتماع بود. ۲۲ و جمیع  
 اینانی که برای درباری دروازه ها منتخب شدند،  
 دویست و دوازده نفر بودند و ایشان در دهات  
 خود برحسب نسب نامه های خود شمرده شدند

بود. ۳۸ و اَصیل را شش پسر بود و نامهای ایشان  
 اینها است: عَزْرِیقام و بُکْرُو و اِسْمَعِیل و شَعْرِیا  
 و عُوْبَدِیا و حانان. و جمیع اینها پسران اَصیل اند.  
 ۳۹ و پسران عِیْشَق برادر او نخست زاده اش اُولام  
 و دومین یَعُوش و سومین اَلِیْفَلَط. ۴۰ و پسران  
 اُولام، مردان زورآور شجاع و تیرانداز بودند؛ و  
 پسران و پسران پسران ایشان بسیار یعنی صد  
 و پنجاه نفر بودند. جمیع اینها از بنی بنیامین  
 می باشند.

### ساکنان اورشلیم

۹ و تمامی اسرائیل برحسب نسب نامه های  
 خود شمرده شدند، و اینک در کتاب  
 پادشاهان اسرائیل مکتوب اند و یهودا به سبب  
 خیانت خود به بابل به اسیری رفتند. ۲ و کسانی  
 که اول در ملکها و شهرهای ایشان سکونت  
 داشتند، اسرائیلیان و کاهنان و لایوان و نَتینیم  
 بودند.

۳ و در اورشلیم بعضی از بنی یهودا و از  
 بنی بنیامین و از بنی افرایم و مَنَسِی ساکن بودند.  
 ۴ عوتای ابن عمِیهُود بن عُمَرِی ابن اَمْرِی ابن  
 بانسی از بنی فارَص بن یهودا. ۵ و از شیلونیان  
 نخست زاده اش عسایا و پسران او. ۶ و از  
 بنی زارَح یَعُوئیل و برادران ایشان ششمصد و نود  
 نفر. ۷ و از بنی بنیامین سلُو ابن مَشْلَام بن هُوْدِویا  
 ابن هَسْئُوآه. ۸ و یُنِیا ابن یِرُوحام و ایلَه بن حَزْرِی  
 ابن مِکْرِی و مَشْلَام بن شَفَطِیا بن رَاوئیل بن  
 یُنِیا. ۹ و برادران ایشان برحسب انساب ایشان  
 نه صد و پنجاه و شش نفر. جمیع اینها رؤسای  
 اجداد برحسب خاندانهای آبای ایشان بودند.

سکونت داشت و اسم زنش مَعَكه بود. ۳۶ و نخست زاده اش عَبْدون بود، پس صور و قیس و بَعْل و نیر و ناداب، ۳۷ و جَدُور و آخِیو و زَکریا و مَقْلوت؛ ۳۸ و مَقْلوت سِمْام را آورد و ایشان نیز با برادران خود در اورشلیم در مقابل برادران ایشان ساکن بودند. ۳۹ و نیر قیس را آورد و قیس شائول را آورد و شائول یهوناتان و مَلْکیشوع و ابیناداب و اَشْجَل را آورد. ۴۰ و پسر یهوناتان، مَرِیب بَعْل بود و مَرِیب بَعْل میکا را آورد. ۴۱ و پسر میکا، فیتون و مالک و تَحْرِیع و آحاز بودند. ۴۲ و آحاز یَعْرَه را آورد و یَعْرَه عَلَمَت و عَزْموت و زَمْرَی را آورد و زَمْرَی موصا را آورد. ۴۳ و موصا بِنعا را آورد و پسرش رفایا و پسرش اَلعاسه و پسرش اَصیل. ۴۴ و اَصیل را شش پسر بود و این است نامهای ایشان: عَزْرِیقام و بُکْرُو و اَسْمعیل و شَعْرِیا و عُوْبَدِیا و حانان اینها پسران اَصیل می باشند.

### خودکشی شائول

۱۰ و فلسطینیان با اسرائیل جنگ کردند، و مردان اسرائیل از حضور فلسطینیان فرار کردند و در کوه جَبْلُوع کشته شده، افتادند. ۲ و فلسطینیان شائول و پسرانش را به سختی تعاقب نمودند، و فلسطینیان پسران شائول یوناتان و ابیناداب و مَلْکیشوع را کشتند. ۳ و جنگ بر شائول سخت شد و تیراندازان او را دریافتند و از تیراندازان مجروح شد. ۴ و شائول به سلاحدار خود گفت: «شمشیر را بکش و به من فرو بر، مبادا این نامختونان بیایند و مرا افتضاح کنند.» اما سلاحدارش نخواست زیرا

که داود و سموئیل رائی ایشان را بر وظیفه های ایشان گماشته بودند. ۲۳ پس ایشان و پسران ایشان بر دروازه های خانه خداوند و خانه خیمه برای نگاهبانی آن گماشته شدند. ۲۴ و دربانان به هر چهار طرف یعنی به مشرق و مغرب و شمال و جنوب بودند. ۲۵ و برادران ایشان که در دهات خود بودند، هر هفت روز نوبت به نوبت با ایشان می آمدند. ۲۶ زیرا چهار رئیس دربانان که لاویان بودند، منصب خاص داشتند و ناظران حجره ها و خزانه های خانه خدا بودند. ۲۷ و به اطراف خانه خدا منزل داشتند زیرا که نگاهبانیش بر ایشان بود، و باز کردن آن هر صبح بر ایشان بود. ۲۸ و بعضی از ایشان بر آلات خدمت مأمور بودند، چونکه آنها را به شماره می آوردند و به شماره بیرون می بردند. ۲۹ از ایشان بر اسباب و جمیع آلات قدس و آزد نرم و شراب و روغن و بخور و عطریات مأمور بودند. ۳۰ و بعضی از پسران کاهنان، عطریات خوشبو را ترکیب می کردند. ۳۱ و مَتِّیَاکه از جمله لاویان و نخست زاده شَلُوم قُوْرَحی بود، بر عمل مطبوخات گماشته شده بود. ۳۲ و بعضی از برادران ایشان از پسران قَهاتیان، بر نان تَقْدِمه مأمور بودند تا آن را در هر روز سبت مهیا سازند. ۳۳ و مغنیان از رؤسای خاندان آبی لاویان در حجره ها سکونت داشتند و از کار دیگر فارغ بودند زیرا که روز و شب در کار خود مشغول می بودند. ۳۴ اینان رؤسای خاندان آبی لاویان و بر حسب انساب خود رئیس بودند و در اورشلیم سکونت داشتند. ۳۵ و در جَبْعُون، پدر جَبْعُون، یَعُوئیل

## داود، پادشاه اسرائیل

۱۱ و تمامی اسرائیل نزد داود در حَبْرُون جمع شده، گفتند: «اینک ما استخوانها و گوشت تو می‌باشیم. ۲ و قبل از این نیز هنگامی که شائول پادشاه می‌بود، تو اسرائیل را بیرون می‌بردی و درون می‌آوردی؛ و یَهُوه خدایت تو را گفت که: تو قوم من اسرائیل را شبانی خواهی نمود و تو بر قوم من اسرائیل پیشوا خواهی شد.» ۳ و جمیع مشایخ اسرائیل نزد پادشاه به حَبْرُون آمدند و داود با ایشان به حضور خداوند در حَبْرُون عهد بست، و داود را بر حسب کلامی که خداوند به واسطهٔ سموئیل گفته بود به پادشاهی اسرائیل مسح نمودند.

۴ و داود و تمامی اسرائیل به اورشلیم که یَبُوس باشد، آمدند و یَبُوسیان در آن زمین ساکن بودند. ۵ و اهل یَبُوس به داود گفتند: «به اینجا داخل نخواهی شد.» اما داود قلعهٔ صَهْئُون را که شهر داود باشد بگرفت. ۶ و داود گفت: «هر که یَبُوسیان را اول مغلوب سازد، رئیس و سردار خواهد شد.» پس یوآب بن صَرُوْیَه اول بر آمد و رئیس شد. ۷ و داود در آن قلعه ساکن شد، از آن جهت آن را شهر داود نامیدند. ۸ و شهر را به اطراف آن و گرداگرد ملوه بنا کرد و یوآب باقی شهر را تعمیر نمود. ۹ و داود ترقی کرده، بزرگ می‌شد و یَهُوه صباوت با وی می‌بود.

## شجاعان داود

۱۰ و اینانند رؤسای شجاعانی که داود داشت که با تمامی اسرائیل او را در سلطنتش تقویت دادند تا او را بر حسب کلامی که خداوند دربارهٔ

که بسیار می‌ترسید؛ پس شائول شمشیر را گرفته بر آن افتاد. ۵ و سلاحدارش چون شائول را مرده دید، او نیز بر شمشیر افتاده، بمُرد. ۶ و شائول مُرد و سه پسرش و تمامی اهل خانه‌اش همراه وی مردند. ۷ و چون جمیع مردان اسرائیل که در وادی بودند، این را دیدند که لشکر مغلوب شده، و شائول و پسرانش مرده‌اند، ایشان نیز شهرهای خود را ترک کرده، گریختند و فلسطینیان آمده، در آنها قرار گرفتند.

۸ و روز دیگر واقع شد که چون فلسطینیان آمدند تا کشتگان را برهنه نمایند، شائول و پسرانش را در کوه جَلْبُوخ افتاده یافتند. ۹ پس او را برهنه ساخته، سَر و اسلحه‌اش را گرفتند و آنها را به زمین فلسطینیان به هر طرف فرستادند تا به بتها و قوم خود مژده برسانند. ۱۰ و اسلحه‌اش را در خانهٔ خدایان خود گذاشتند و سرش را در خانهٔ داجون به دیوار کوبیدند. ۱۱ و چون تمامی اهل یابیش جَلْعاد آنچه را که فلسطینیان به شائول کرده بودند شنیدند، ۱۲ جمیع شجاعان برخاسته، جسد شائول و جسدهای پسرانش را برداشته، آنها را به یابیش آورده، استخوانهای ایشان را زیر درخت بلوط که در یابیش است، دفن کردند و هفت روز روزه داشتند.

۱۳ پس شائول به سبب خیانتی که به خداوند ورزیده بود مُرد، به جهت کلام خداوند که آن را نگاه نداشته بود، و از این جهت نیز که از صاحبهٔ اجنهٔ سوْال نموده بود. ۱۴ و چونکه خداوند را نطلبیده بود، او را کشت و سلطنت او را به داود بن یَسی برگردانید.

۲۰ و آیشای برادر یوآب سردار آن سه نفر بود و او نیز نیزه خود را بر سیصد نفر حرکت داده، ایشان را کشت و در میان آن سه نفر اسم یافت. ۲۱ در میان آن سه از دو مکرم تر بود؛ پس سردار ایشان شد، اما به سه نفر اول نرسید.

۲۲ و بنایا ابن یهویاداع پسر مردی شجاع قَبِصِیْثیلی بود که کارهای عظیم کرده بود، و پسر اَرِیْثیل موآبی را کشت و در روز برف به حفره‌ای فرود شده، شیری را کشت. ۲۳ و مرد مصری بلند قد را که قامت او پنج ذراع بود کشت، و آن مصری در دست خود نیزه‌ای مثل نورد نساجان داشت؛ اما او نزد وی با چوب دستی رفت و نیزه را از دست مصری ربوده، وی را با نیزه خودش کشت. ۲۴ بنایا ابن یهویاداع این کارها را کرد و در میان آن سه مرد شجاع اسم یافت. ۲۵ اینک او از آن سی نفر مکرم تر شد، اما به آن سه نفر اول نرسید و داود او را بر اهل مشورت خود برگماشت.

۲۶ و نیز از شجاعان لشکر، عسائیل برادر یوآب و الحانان بن دودوی بیت لحمی، ۲۷ و شَمُوْت هروری و حَالِص فُلُونی، ۲۸ و عیرا ابن عِقِیْش تَقْوعی و اَبِعَزْر عَنَّاوتی، ۲۹ و سِبْهَکای حُوشاتی و عیلای اَخُوخی، ۳۰ و مَهْرَای نَطُوفاتی و خَالِد بن بَعْنَه نَطُوفاتی، ۳۱ و اَتای ابن ربیای از جَبْعَه بنی بنیامین و بنایای قَرَعَانُونی، ۳۲ و حُورای از وادیهای جاعش و اَبِیْثیل عَرَباتی، ۳۳ و عَزْمُوت بَحْرُومی و اَیْحَبای شَعْلَبُونی. ۳۴ و از بنی هاشم جَزُونی یوناتان بن شاجای هراری، ۳۵ و اَخِیَام بن ساکار هراری و الیفال بن اور، ۳۶ و حافر مکیراتی و اَخِیای فُلُونی، ۳۷ و حَضْرُوی کَرْمَلی

اسرائیل گفته بود پادشاه سازد. ۱۱ و عدد شجاعانی که داود داشت این است: یَشْبَعام بن حَكُّونی که سردار شلشیم بود که بر سیصد نفر نیزه خود را حرکت داد و ایشان را در یک وقت کشت.

۱۲ و بعد از او اَلْعَازار بن دودوی اَخُوخی که یکی از آن سه شجاع بود. ۱۳ او با داود در فَسَدِیْم بود وقتی که فلسطینیان در آنجا برای جنگ جمع شده بودند، و قطعه زمین پُر از جو بود، و قوم از حضور فلسطینیان فرار می کردند. ۱۴ و ایشان در میان آن قطعه زمین ایستاده، آن را محافظت نمودند، و فلسطینیان را شکست دادند و خداوند نصرت عظیمی به ایشان داد.

۱۵ و سه نفر از آن سی سردار به صخره نزد داود به غار عَدْلَام فرود شدند و لشکر فلسطینیان در وادی رفائیم اردو زده بودند. ۱۶ و داود در آن وقت در دژ خویش بود، و قراول فلسطینیان آن وقت در بیت لحم بودند. ۱۷ و داود خواهش نموده، گفت: «کاش کسی مرا از آب چاهی که نزد دروازه بیت لحم است بنوشاند.» ۱۸ پس آن سه مرد، لشکر فلسطینیان را از میان شکافته، آب را از چاهی که نزد دروازه بیت لحم است کشیده، برداشتند و آن را نزد داود آوردند؛ اما داود نخواست که آن را بنوشد و آن را به جهت خداوند بریخت، ۱۹ و گفت: «ای خدای من حاشا از من که این کار را بکنم! آیا خون این مردان را بنوشم که جان خود را به خطر انداختند زیرا به خطر جان خود آن را آوردند؟» پس نخواست که آن را بنوشد؛ کاری که این سه مرد شجاع کردند این است.

که روی ایشان مثل روی شیر و مانند غزال کوهی تیزرو بودند، خویشتر را نزد داود در دژ بیابان جدا ساختند،<sup>۹</sup> رئیس ایشان عازر و دومین عوبدیا و سومین الیاب بود،<sup>۱۰</sup> و چهارمین مشمته و پنجمین ازمیا،<sup>۱۱</sup> و ششم عتای و هفتم الیئیل،<sup>۱۲</sup> و هشتم یوحنان و نهم الازباد،<sup>۱۳</sup> و دهم ازمیا و یازدهم مکبتای.<sup>۱۴</sup> اینان از بنی جاد رؤسای لشکر بودند که کوچکتر ایشان برابر صد نفر و بزرگتر برابر هزار نفر می‌بود.<sup>۱۵</sup> اینانند که در ماه اول از اژدن عبور نمودند هنگامی که آن از تمامی حدودش سیلان کرده بود و جمیع ساکنان و ادیها را هم به طرف مشرق و هم به طرف مغرب مغلوب ساختند.

<sup>۱۶</sup> و بعضی از بنی بنیامین و یهودا نزد داود به آن دژ آمدند.<sup>۱۷</sup> و داود به استقبال ایشان بیرون آمده، ایشان را خطاب کرده، گفت: «اگر با صلح برای کمک من نزد من آمدید، دل من با شما ملصق خواهد شد؛ و اگر برای تسلیم نمودن من به دست دشمنانم آمدید، با آنکه ظلمی در دست من نیست، پس خدای پدران ما این را ببیند و انصاف نماید.»<sup>۱۸</sup> آنگاه روح بر عماسای که رئیس شلاشیم بود نازل شد (و او گفت): «ای داود ما از آن تو و ای پسر یسی ما با تو هستیم؛ صلح، صلح بر تو باد، و صلح بر انصار تو باد زیرا خدای تو نصرت دهنده تو است.» پس داود ایشان را پذیرفته، سرداران لشکر ساخت.

<sup>۱۹</sup> و بعضی از مَسَسی به داود ملحق شدند هنگامی که او همراه فلسطینیان برای جنگ با شائول می‌رفت؛ اما ایشان را مدد نکردند زیرا که سرداران فلسطینیان بعد از مشورت نمودن، او را

و نَعْرَای ابن اَزْبَای.<sup>۳۸</sup> و یُوئیل برادر ناتان و مِبحار بن هَجْرَی،<sup>۳۹</sup> و صَالِقَ عَمُونِی و نحرای بیروتی که سلاحدار یوآب بن صرویه بود.<sup>۴۰</sup> و عیرای یتری و جارب یسری،<sup>۴۱</sup> و اوربای حتی و زاباد بن اخلای،<sup>۴۲</sup> و عدینا ابن شیزای رؤبینی که سردار رؤبینیان بود و سی نفر همراهش بودند.<sup>۴۳</sup> و حانان بن معکه و یوشافاط متنی،<sup>۴۴</sup> و عَزْرَای عَشْتَرُوتِی و شاماع و یعوثیل پسران حوتام عروعی،<sup>۴۵</sup> و یدیعئیل بن شسمری و برادرش یوخای تیصی،<sup>۴۶</sup> و الیئیل ازحویم و یریبای یوشویا پسران الناعم و ینمه موآبی،<sup>۴۷</sup> و الیئیل و عوبید و یغسئیل مَصُوباتی.

و اینانند که نزد داود به صلح آمدند،<sup>۱۲</sup> هنگامی که او هنوز از ترس شائول بن قیس گرفتار بود، و ایشان از آن شجاعان بودند که در جنگ معاون او بودند.<sup>۲</sup> و به کمان مسلح بودند و سنگها و تیرها از کمانها از دست راست و دست چپ می‌انداختند و از برادران شائول بنیامینی بودند.<sup>۳</sup> سردار ایشان اخیعزر بود، و بعد از او یوآش پسران شماعه جبعاتی و یزیئیل و فالط پسران عزموت و براکه و بیهوی عناتوتی،<sup>۴</sup> و یشمعیای جبعونی که در میان آن سی نفر شجاع بود، و بر آن سی نفر برتری داشت و ازمیا و یحزیئیل و یوحنان و یوزاباد جدیراتی،<sup>۵</sup> و العوزای و یریموت و بعلیا و شسمریا و شفقطیای حروفی،<sup>۶</sup> و القانه و یسیا و عززئیل و یوعزر و یشبعام که از قورحیان بودند،<sup>۷</sup> و یوعیله و زبڈیا پسران یروحام جدوری.

<sup>۸</sup> و بعضی از جادیان که مردان قوی شجاع و مردان جنگ آزموده و مسلح به سپر و تیراندازان



بکنند، سرداران ایشان دویست نفر و جمیع برادران ایشان فرمان بردار ایشان بودند. ۳۳ و از زبولون پنجاه هزار نفر که با لشکر بیرون رفته، می توانستند جنگ را با همه آلات حرب بیاریند و صف آراییی کنند و دودل نبودند. ۳۴ و از نفتالی هزار سردار و با ایشان سی و هفت هزار نفر با سپر و نیزه. ۳۵ و از بنی دان بیست و هشت هزار و ششصد نفر که برای جنگ مهیا شدند. ۳۶ و از آشیر چهل هزار نفر که با لشکر بیرون رفته، می توانستند جنگ را مهیا سازند. ۳۷ و از آن طرف اُردُن از بنی رُوبین و بنی جاد و نصف سبط مَنَسی صد و بیست هزار نفر که با جمیع آلات لشکر برای جنگ (مهیا شدند).

۳۸ جمیع اینها مردان جنگی بودند که بر صف آراییی قادر بودند با دل کامل به حَبْرُون آمدند تا داود را بر تمامی اسرئیل به پادشاهی نصب نمایند، و تمامی بقیه اسرئیل نیز برای پادشاه ساختن داود یک دل بودند. ۳۹ و در آنجا با داود سه روز خوردند و نوشیدند زیرا که برادران ایشان به جهت ایشان تدارک دیده بودند. ۴۰ و مجاوران ایشان نیز تا یَساکار و زبولون و نفتالی نان بر الاغها و شتران و قاطران و گاوان آوردند و مأكولات از آرد و قرصهای انجیر و کشمش و شراب و روغن و گاوان و گوسفندان به فراوانی آوردند چونکه در اسرئیل شادمانی بود.

### بازگرداندن تابوت عهد

و داود با سرداران هزاره و صده و با جمیع رؤسا مشورت کرد. ۲ و داود به تمامی جماعت اسرئیل گفت: «اگر شما

پس فرستاده، گفتند که: «او با سرهای ما به آقای خود شائول ملحق خواهد شد.» ۲۰ و هنگامی که به صِغْلُغ می رفت، بعضی از مَنَسی به او پیوستند یعنی عَدَناح و یوزاباد و یَدِیعَئیل و میکائیل و یوزاباد و آلِهُو و صلّتای که سرداران هزارهای مَنَسی بودند. ۲۱ ایشان داود را به مقاومت فوجهای (عَمالقه) مدد کردند، زیرا جمیع ایشان مردان قوی شجاع و سردار لشکر بودند. ۲۲ زیرا در آن وقت، روز به روز برای کمک داود نزد وی می آمدند تا لشکر بزرگ، مثل لشکر خدا شد.

۲۳ و این است شماره افراد آنانی که برای جنگ مسلح شده، نزد داود به حَبْرُون آمدند تا سلطنت شائول را برحسب فرمان خداوند به وی تحویل نمایند. ۲۴ از بنی یهودا شش هزار و هشتصد نفر که سپر و نیزه داشتند و مسلح جنگ بودند. ۲۵ از بنی شَمعون هفت هزار و یکصد نفر که مردان قوی شجاع برای جنگ بودند. ۲۶ از بنی لاوی چهار هزار و ششصد نفر. ۲۷ و یَهُویاداع رئیس بنی هارون و سه هزار و هفتصد نفر همراه وی. ۲۸ و صادق قوی و شجاع بود با بیست و دو سردار از خاندان پدرش. ۲۹ و از بنی بنیامین سه هزار نفر از برادران شائول و تا آن وقت اکثر ایشان وفای خاندان شائول را نگاه می داشتند. ۳۰ و از بنی افرایم بیست هزار و هشتصد نفر که مردان قوی و شجاع و در خاندان پدران خویش نامور بودند. ۳۱ و از نصف سبط مَنَسی

هجده هزار نفر که به نامهای خود تعیین شده بودند که بیایند و داود را به پادشاهی نصب نمایند. ۳۲ و از بنی یَساکار کسانی که از زمانها مخبر شده، می فهمیدند که اسرئیلیان چه باید

داود نیاورد بلکه آن را به خانه عوبید آدوم جتی برگردانید. ۱۴ و تابوت خدا نزد خاندان عوبید آدوم در خانه اش سه ماه ماند و خداوند خانه عوبید آدوم و تمامی مایملک او را برکت داد.

## خانه و خاندان داود

۱۴ و حیرام پادشاه صور، قاصدان با چوب سرو آزاد و بنایان و نجاران نزد داود فرستاد تا خانه‌ای برای او بسازند. ۲ و داود دانست که خداوند او را به پادشاهی اسرائیل استوار داشته است، زیرا که سلطنتش به خاطر قوم او اسرائیل به درجه بلند برافراشته شده بود. ۳ و داود در اورشلیم باز زنان گرفت، و داود پسران و دختران دیگر تولید نمود. ۴ و این است نامه‌های فرزندی که در اورشلیم برای وی به هم رسیدند: شَمُوع و شُوباب و ناتان و سُلیمان، ۵ و ییحار و اَلیشُوع و اَلیفَالط، ۶ و نُوحه و نَافج و یافیع، ۷ و اَلیشامع و بعلیاداع و اَلیفَلط.

## پیروزی داود بر فلسطینیان

۸ و چون فلسطینیان شنیدند که داود به پادشاهی تمام اسرائیل مسح شده است، پس فلسطینیان برآمدند تا داود را (برای جنگ) بطلبند؛ و چون داود شنید، به مقابله ایشان برآمد. ۹ و فلسطینیان آمده، در وادی رفائیم منتشر شدند. ۱۰ و داود از خدا مسألت نموده، گفت: «آیا به مقابله فلسطینیان برآیم و آیا ایشان را به دست من تسلیم خواهی نمود؟» خداوند او را گفت: «برآی و ایشان را به دست تو تسلیم خواهم کرد.» ۱۱ پس به بعل فراصیم برآمدند

مصلحت می‌دانید و اگر این از جانب یهوه خدای ما باشد، نزد برادران خود که در همه زمینهای اسرائیل باقی مانده‌اند، به هر طرف بفرستیم و با ایشان کاهنان و لایوانی که در شهرهای خود و حوالی آنها می‌باشند، نزد ما جمع شوند، ۳ و تابوت خدای خویش را باز نزد خود بیاوریم چونکه در ایام شائول نزد آن مسألت نمودیم.» ۴ و تمامی جماعت گفتند که: «چنین نکنیم.» زیرا که این امر به نظر تمامی قوم پسند آمد.

۵ پس داود تمامی اسرائیل را از شیخو مصر تا مدخل حَمات جمع کرد تا تابوت خدا را از قریت یعاریم بیاورند. ۶ و داود و تمامی اسرائیل به بعله که همان قریت یعاریم است و از آن یهودا بود، برآمدند تا تابوت خدا یهوه را که در میان کروبیان در جایی که اسم او خوانده می‌شود ساکن است، از آنجا بیاورند. ۷ و تابوت خدا را بر اراه‌ای تازه از خانه آیناداب آوردند و عَزّا و آخو اراه را می‌رانند. ۸ و داود و تمامی اسرائیل با سرود و بربط و عود و دف و سنج و شیپور به قوت تمام به حضور خدا وجد می‌نمودند.

۹ و چون به خرمگاه کیدون رسیدند عَزّا دست خود را دراز کرد تا تابوت را بگیرد زیرا گاوان می‌لغزیدند. ۱۰ و خشم خداوند بر عَزّا افروخته شده، او را زد از آن جهت که دست خود را به تابوت دراز کرد و در آنجا به حضور خدا مرد. ۱۱ و داود محزون شد چونکه خداوند بر عَزّا رخنه نمود و آن مکان را تا امروز فارص عَزّا نامید. ۱۲ و در آن روز داود از خدا ترسان شده، گفت: «تابوت خدا را نزد خود چگونه بیاورم؟» ۱۳ پس داود تابوت را نزد خود به شهر

و لایوان را جمع کرد. ۵ از بنی قَهات اُورِیئیل رئیس و صد و بیست نفر برادرانش را. ۶ از بنی مَراری، عَسایای رئیس و دویست و بیست نفر برادرانش را. ۷ از بنی جَرشوم، یُوئیل رئیس و صد و سی نفر برادرانش را. ۸ از بنی البصافان، شَمعیای رئیس و دویست نفر برادرانش را. ۹ از بنی حَبِرُون، ایلِیئیل رئیس و هشتاد نفر برادرانش را. ۱۰ از بنی عَزْیئیل، عَمیناداب رئیس و صد و دوازده نفر برادرانش را.

۱۱ و داود صادق و ایباتار کَهَنه و لایوان یعنی اُریئیل و عَسایا و یُوئیل و شَمعیای ایلِیئیل و عَمیناداب را خوانده، ۱۲ به ایشان گفت: «شما رؤسای خاندانهای آبی لایوان هستی؛ پس شما و برادران شما خویشتن را تقدیس نمایید تا تابوت یهوه خدای اسرائیل را به مکانی که برایش مهیا ساخته‌ام بیاورید. ۱۳ زیرا از این سبب که شما دفعه اول آن را نیاوردید، یهوه خدای ما بر ما رخنه کرد، چونکه او را به حسب قانون نطلبیدیم.» ۱۴ پس کاهنان و لایوان خویشتن را تقدیس نمودند تا تابوت یهوه خدای اسرائیل را بیاورند. ۱۵ و پسران لایوان بر وفق آنچه موسی برحسب کلام خداوند امر فرموده بود، چوب‌دستیهای تابوت خدا را بر کتفهای خود گذاشته، آن را برداشتند.

۱۶ و داود رؤسای لایوان را فرمود تا برادران خود مغتبان را با آلات موسیقی از عودها و بربطها و سنجها تعیین نمایند، تا به آواز بلند و شادمانی صدا زنند. ۱۷ پس لایوان هیمان بن یُوئیل و از برادران او آساف بن بَرکیا و از برادران ایشان بنی مَراری ایوان بن قُوشیا را تعیین نمودند.

و داود ایشان را در آنجا شکست داد و داود گفت: «خدا بر دشمنان من به دست من مثل رخنه آب رخنه کرده است.» بنابراین آن مکان را بَعْل فَراصیم نام نهادند. ۱۲ و خدایان خود را در آنجا ترک کردند و داود امر فرمود که آنها را به آتش بسوزانند.

۱۳ و فلسطینیان بار دیگر در آن وادی منتشر شدند. ۱۴ و داود باز از خدا سؤال نمود و خدا او را گفت: «از عقب ایشان مرو بلکه از ایشان روگردانیده، در مقابل درختان توت به ایشان نزدیک شو. ۱۵ و چون در سر درختان توت آواز قدمها بشنوی، آنگاه برای جنگ بیرون شو، زیرا خدا پیش روی تو بیرون رفته است تا لشکر فلسطینیان را مغلوب سازد.» ۱۶ پس داود بر وفق آنچه خدا او را امر فرموده بود، عمل نمود و لشکر فلسطینیان را از جَبُئُون تا جازز شکست دادند. ۱۷ و اسم داود در جمیع اراضی شیوع یافت و خداوند ترس او را بر تمامی امت‌ها مستولی ساخت.

### آوردن تابوت عهد به اورشلیم

و داود در شهر خود خانه‌ها بنا کرد و **۱۵** مکانی برای تابوت خدا مهیا ساخته، خیمه‌ای به جهت آن برپا نمود. ۲ آنگاه داود فرمود که غیر از لایوان کسی تابوت خدا را بر ندارد زیرا خداوند ایشان را برگزیده بود تا تابوت خدا را بر دارند و او را همیشه خدمت نمایند. ۳ و داود تمامی اسرائیل را در اورشلیم جمع کرد تا تابوت خداوند را به مکانی که برایش مهیا ساخته بود، بیاورند. ۴ و داود پسران هارون

۱۸ و با ایشان از برادران درجهٔ دوم خود: زکریّا و

بَين و یَعزّیئیل و شَمیراموت و یَحییئیل و عُوّی و اَلیّاب و بنایا و مَعَسِیا و مَتّیا و اَلفَلّیا و مَقنّیا و عُوّبید اَدوم و یعیئیل دربانان را. ۱۹ و از مغنیان: هیمان و آساف و اینان را با سنجهای برنجین تا بنوازند. ۲۰ و زکریّا و عَزّیئیل و شَمیراموت و یَحییئیل و عُوّی و اَلیّاب و مَعَسِیا و بنایا را با عودها بر آلاموت. ۲۱ و مَتّیا و اَلفَلّیا و مَقنّیا و عُوّبید اَدوم و یعیئیل و عَزّیّا را با بریطهای بر نَمانی تا پیشروی نمایند. ۲۲ و کَنّیا رئیس لایوان برنغمات بود و مغنیان را تعلیم می داد زیرا که ماهر بود. ۲۳ و بَرکیّا و اَلقانه دربانان تابوت بودند. ۲۴ و شَبّیا و یوشافاط و نَتّیل و عَماسای و زکریّا و بنایا و اَلعِزّزَر کهنه پیش تابوت خدا شیپوری می نواختند، و عوبید اَدوم و یحیی دربانان تابوت بودند.

۲۵ و داود و مشایخ اسرائیل و سرداران هزاره رفتند تا تابوت عهد خداوند را از خانه عوبید اَدوم با شادمانی بیاورند. ۲۶ و چون خدا لایوان را که تابوت عهد خداوند را برمی داشتند کمک کرد، ایشان هفت گاو و هفت قوچ ذبح کردند. ۲۷ و داود و جمیع لایوانی که تابوت را برمی داشتند و مغنیان و کَنّیا که رئیس نغمات مغنیان بود به کتان نازک ملبس بودند، و داود ایفود کتان دربرداشت. ۲۸ و تمامی اسرائیل تابوت عهد خداوند را به آواز شادمانی و آواز بوق و شیپور و سنج و عود و بریط می نواختند.

۲۹ و چون تابوت عهد خداوند وارد شهر داود می شد، میکال دختر شاول از پنجره نگریست و داود پادشاه را دید که رقص و وجد می نماید، او

را در دل خود خوار شمرد.

## سرود داود

۱۶ و تابوت خدا را آورده، آن را در خیمه‌ای که داود برایش برپا کرده بود، گذاشتند؛ و قربانی‌های سوختنی و ذبایح صلح به حضور خدا گذرانیدند. ۲ و چون داود از گذرانیدن قربانی‌های سوختنی و ذبایح صلح فارغ شد، قوم را به اسم خداوند برکت داد. ۳ و به جمیع اسرائیلیان به مردان و زنان به هر یکی یک گردهٔ نان و یک پارهٔ گوشت و یک قرص کشمش بخشید.

۴ و بعضی از لایوان را برای خدمتگزاری پیش تابوت خداوند تعیین نمود تا یَهُوه خدای اسرائیل را ذکر نمایند و شکر گویند و تسبیح خوانند، ۵ یعنی آساف رئیس و بعد از او زکریّا و یَعییئیل و شَمیراموت و یَحییئیل و مَتّیا و اَلیّاب و بنایا و عُوّبید اَدوم و یعیئیل را با عودها و بریطها و آساف با سنجها می نواخت. ۶ و بنایا و یَحزّیئیل کهنه پیش تابوت عهد خدا با شیپورها دائماً (حاضر می بودند).

۷ پس در همان روز داود اولاً (این سرود را) به دست آساف و برادرانش داد تا خداوند را تسبیح بخوانند:

۸ یَهُوه را حمد گویند و نام او را بخوانید. اعمال او را در میان قومها اعلام نمایید. ۹ او را بسرایید برای او تسبیح بخوانید. در تمامی کارهای عجیب او تفکر نمایید.

۱۰ در نام قدّوس او فخر کنید. دل طالبان خداوند شادمان باشد.

۲۶ زیرا جمیع خدایان اَمّت‌ها بتهایند. اما  
 یَهُوه آسمانها را آفرید.  
 ۲۷ مجد و جلال به حضور وی است؛ قوت  
 و شادمانی در مکان او است.  
 ۲۸ ای قبایل قوم‌ها خداوند را توصیف  
 نمایید. خداوند را به جلال و قوت توصیف  
 نمایید.  
 ۲۹ خداوند را به جلال اسم او توصیف  
 نمایید. هدایا بیاورید و به حضور وی بیایید.  
 خداوند را در زینت قدوسیت پرستید.  
 ۳۰ ای تمامی زمین از حضور وی بلرزید. ربع  
 مسکون نیز پایدار شد و جنبش نخواهد خورد.  
 ۳۱ آسمان شادی کند و زمین سرور نماید،  
 و در میان اَمّت‌ها بگویند که یَهُوه سلطنت  
 می‌کند.  
 ۳۲ دریا و پری آن غرش نماید؛ و صحرا و هر  
 چه در آن است به وجد آید.  
 ۳۳ آنگاه درختان جنگل ترنم خواهند نمود،  
 به حضور خداوند زیرا که برای داوری جهان  
 می‌آید.  
 ۳۴ یَهُوه را حمد بگویید زیرا که نیکو است.  
 زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. ۳۵ و  
 بگویید ای خدای نجات ما ما را نجات بده. و  
 ما را جمع کرده، از میان اَمّت‌ها رهایی بخش.  
 تا نام قدوس تو را حمد گوئیم، و در تسبیح تو  
 فخر نماییم. ۳۶ یَهُوه خدای اسرائیل متبارک باد.  
 از ازل تا ابدالآباد.  
 و تمامی قوم آمین گفتند و خداوند را تسبیح  
 خواندند.  
 ۳۷ پس آساف و برادرانش را آنجا پیش تابوت

۱۱ خداوند و قوت او را بطلبید. روی او را  
 پیوسته طالب باشید.  
 ۱۲ کارهای عجیب را که او کرده است، به یاد  
 آورید، آیات او و داوریهای دهان وی را،  
 ۱۳ ای نسل بنده او اسرائیل! ای فرزندان  
 یعقوب برگزیده او!  
 ۱۴ یَهُوه خدای ما است. داوریهای او در  
 تمامی جهان است.  
 ۱۵ عهد او را به یاد آورید تا ابدالآباد، و  
 کلامی را که به هزاران پشت فرموده است،  
 ۱۶ آن عهدی را که با ابراهیم بسته، و قَسَمی  
 را که برای اسحاق خورده است،  
 ۱۷ و آن را برای یعقوب فریضه قرار داد و  
 برای اسرائیل عهد جاودانی؛  
 ۱۸ و گفت زمین کَنعان را به تو خواهم داد،  
 تا سهم میراث شما شود،  
 ۱۹ هنگامی که عددی معدود بودید،  
 قلیل العدد و غربا در آنجا،  
 ۲۰ و از اَمّتی تا اَمّتی سرگردان می‌بودند، و  
 از یک مملکت تا قوم دیگر. ۲۱ او نگذاشت که  
 کسی بر ایشان ظلم کند، بلکه پادشاهان را به  
 خاطر ایشان توبیخ نمود،  
 ۲۲ که بر مسیحان من دست مگذارید، و  
 انبیای مرا ضرر مرسانید.  
 ۲۳ ای تمامی زمین یَهُوه را بسرایید. نجات او  
 را روز به روز بشارت دهید.  
 ۲۴ در میان اَمّت‌ها جلال او را ذکر کنید، و  
 کارهای عجیب او را در جمیع قوم‌ها.  
 ۲۵ زیرا خداوند عظیم است و بی‌نهایت  
 محمود؛ و او مُهیب است بر جمیع خدایان.

عهد خداوند گذاشت تا همیشه پیش تابوت به خدمت هر روز در روزش مشغول باشند. ۳۸ و عوبید آدوم و شصت و هشت نفر برادران ایشان و عوبید آدوم بن یدوتون و حوسه دربانان را. ۳۹ و صادق کاهن و کاهنان برادرانش را پیش مسکن خداوند در مکان بلندی که در جبعون بود، ۴۰ تا قربانی‌های سوختنی برای خداوند بر مذبح قربانی سوختنی دائماً صبح و شام بگذرانند برحسب آنچه در شریعت خداوند که آن را به اسرائیل امر فرموده بود مکتوب است. ۴۱ و با ایشان هیمان و یدوتون و سایر برگزیدگانی را که اسم ایشان ذکر شده بود تا خداوند را حمد گویند زیرا که رحمت او تا ابدآباد است. ۴۲ و همراه ایشان هیمان و یدوتون را با شیپورها و سنجها و آلات نغمات خدا به جهت نوازندگان و پسران یدوتون را تا نزد دروازه باشند. ۴۳ پس تمامی قوم هر یکی به خانه خود رفتند، اما داود برگشت تا خانه خود را تبرک نماید.

و عهد خدا به داود

و واقع شد چون داود در خانه خود نشست بود که داود به ناتان نبی گفت: «اینک من در خانه سرو آزاد ساکن می‌باشم و تابوت عهد خداوند زیر پرده‌ها است.» ۲ ناتان به داود گفت: «هر آنچه در دلت باشد به عمل آور زیرا خدا با تو است.»

۳ و در آن شب واقع شد که کلام خدا به ناتان نازل شده، گفت: ۴ «برو و به بنده من داود بگو خداوند چنین می‌فرماید: تو خانه‌ای برای سکونت من بنا نخواهی کرد. ۵ زیرا از روزی

که بنی اسرائیل را بیرون آوردم تا امروز در خانه ساکن نشده‌ام بلکه از خیمه به خیمه و مسکن به مسکن گردش کرده‌ام. ۶ و به هر جایی که با تمامی اسرائیل گردش کرده‌ام، آیا به احدی از داوران اسرائیل که برای رعایت قوم خود مأمور داشتم، سخنی گفتم که چرا خانه‌ای از سرو آزاد برای من بنا نکردید؟ ۷ و حال به بنده من داود چنین بگو: یهوه صباوت چنین می‌فرماید: من تو را از چراگاه از عقب گوسفندان گرفتم تا پیشوای قوم من اسرائیل باشی. ۸ و هر جایی که می‌رفتی، من با تو می‌بودم و جمیع دشمنانت را از حضور تو منقطع ساختم و برای تو اسمی مثل اسم بزرگانی که بر زمین اند پیدا کردم. ۹ و به جهت قوم خود اسرائیل مکانی تعیین نمودم و ایشان را غرس کردم تا در مکان خویش ساکن شده، باز متحرک نشوند، و شیران ایشان را دیگر مثل سابق ذلیل نسازند. ۱۰ و از آثامی که داوران را بر قوم خود اسرائیل تعیین نمودم و تمامی دشمنانت را مغلوب ساختم، تو را خبر می‌دادم که خداوند خانه‌ای برای تو بنا خواهد نمود. ۱۱ و چون روزهای عمر تو تمام شود که نزد پسران خود رحلت کنی، آنگاه نسل تو را که از پسران تو خواهد بود، بعد از تو خواهم برانگیخت و سلطنت او را پایدار خواهم نمود. ۱۲ او خانه‌ای برای من بنا خواهد کرد و من کرسی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت. ۱۳ من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود و رحمت خود را از او دور نخواهم کرد چنانکه آن را از کسی که قبل از تو بود دور کردم. ۱۴ و او را در خانه و سلطنت خودم تا به ابد پایدار

## و عهد خدا به داود

# ۱۷

و واقع شد چون داود در خانه خود نشست بود که داود به ناتان نبی گفت: «اینک من در خانه سرو آزاد ساکن می‌باشم و تابوت عهد خداوند زیر پرده‌ها است.» ۲ ناتان به داود گفت: «هر آنچه در دلت باشد به عمل آور زیرا خدا با تو است.»

۳ و در آن شب واقع شد که کلام خدا به ناتان نازل شده، گفت: ۴ «برو و به بنده من داود بگو خداوند چنین می‌فرماید: تو خانه‌ای برای سکونت من بنا نخواهی کرد. ۵ زیرا از روزی

صبا یوت خدای اسرائیل خدای اسرائیل است و خاندان بندهات داود به حضور تو پایدار بماند. ۲۵ زیرا تو ای خدای من بر بنده خود کشف نمودی که خانه‌ای برایش بسا خواهی نمود؛ بنابراین بندهات جرأت کرده است که این دعا را نزد تو بگوید. ۲۶ و الآن ای یهوه، تو خدا هستی و این احسان را به بنده خود وعده داده‌ای. ۲۷ و الآن تو را پسند آمد که خانه بنده خود را برکت دهی تا در حضور تو تا به ابد بماند زیرا که تو ای خداوند برکت داده‌ای و مبارک خواهد بود تا ابدالآباد.»

### فتوحات داود

و بعد از این واقع شد که داود ۱۸ فلسطینیان را شکست داده، مغلوب ساخت و جت و قریه‌هایش را از دست فلسطینیان گرفت.

۲ و مواب را شکست داد و موابیان بندگان داود شده، هدایا آوردند.

۳ و داود هَدَزْعَرَزَر پادشاه صوبه را در حَمات هنگامی که می‌رفت تا سلطنت خود را نزد نهر فرات استوار سازد، شکست داد. ۴ و داود هزار ارابه و هفت هزار سوار و بیست هزار پیاده از او گرفت، و داود تمامی اسبان ارابه را پی کرد، اما از آنها برای صد ارابه نگاه داشت. ۵ و چون آرامیان دمشق به مدد هَدَزْعَرَزَر پادشاه صوبه آمدند، داود بیست و دو هزار نفر از آرامیان را کشت. ۶ و داود در آرام دمشق (نگهبانان) گذاشت و آرامیان بندگان داود شده، هدایا آوردند. و خداوند داود را در هر جا که می‌رفت نصرت می‌داد. ۷ و

خواهم ساخت و کرسی او استوار خواهد ماند تا ابدالآباد. ۱۵ برحسب تمامی این کلمات و مطابق تمامی این رؤیا ناتان به داود تکلم نمود.

### دعای داود

۱۶ و داود پادشاه داخل شده، به حضور خداوند نشست و گفت: «ای یهوه خدا، من کیستم و خاندان من چیست که مرا به این مقام رسانیدی؟ ۱۷ و این نیز در نظر تو ای خدا امر قلیل نمود زیرا که درباره خانه بندهات نیز برای زمان طویل تکلم نمودی و مرا ای یهوه خدا، مثل مرد بلند مرتبه منظور داشتی. ۱۸ و داود دیگر درباره اکرامی که به بنده خود کردی، نزد تو چه تواند افزود زیرا که تو بنده خود را می‌شناسی. ۱۹ ای خداوند، به خاطر بنده خود و موافق دل خویش جمیع این کارهای عظیم را به جا آوردی تا تمامی این عظمت را ظاهر سازی. ۲۰ ای یهوه مثل تو کسی نیست و غیر از تو خدایی نی. موافق هر آنچه به گوشهای خود شنیدیم، ۲۱ و مثل قوم تو اسرائیل کدام امتی بر روی زمین است که خدا بیاید تا ایشان را فدیة داده، برای خویش قوم بسازد، و به کارهای عظیم و مهیب اسمی برای خود پیدا نمایی و امت‌ها را از حضور قوم خود که ایشان را از مصر فدیة دادی، اخراج نمایی. ۲۲ و قوم خود اسرائیل را برای خویش تا به ابد قوم ساختی و تو ای یهوه خدای ایشان شدی.

۲۳ «و الآن ای خداوند کلامی که درباره بندهات و خانه‌اش گفתי تا به ابد استوار شود و برحسب آنچه گفتم عمل نما. ۲۴ و اسم تو تا به ابد استوار و معظم بماند تا گفته شود که یهوه

## جنگ با بنی عمون

۱۹ و بعد از این واقع شد که ناحاش، پادشاه بنی عمون مرد و پسرش در جای او سلطنت نمود. ۲ و داود گفت: «با حائون بن ناحاش احسان نمایم چنانکه پدرش به من احسان کرد.» پس داود قاصدان فرستاد تا او را درباره پدرش تعزیت گویند. و خادمان داود به زمین بنی عمون نزد حائون برای تعزیت وی آمدند. ۳ و سروران بنی عمون به حائون گفتند: «آیا گمان می بری که به جهت تکریم پدر تو است که داود تعزیت کنندگان نزد تو فرستاده است؟ نی بلکه بندگانش به جهت تفحص و انقلاب و جاسوسی زمین نزد تو آمده‌اند.» ۴ پس حائون خادمان داود را گرفته، ریش ایشان را تراشید و لباسهای ایشان را از میان تا جای نشستن دریده، ایشان را رها کرد. ۵ و چون بعضی آمده، داود را از حالت آن کسان خبر دادند، به استقبال ایشان فرستاد زیرا که ایشان بسیار خجل بودند، و پادشاه گفت: «در آریحا بمانید تا ریشهای شما درآید و بعد از آن برگردید.»

۶ و چون بنی عمون دیدند که نزد داود مکروه شده‌اند، حائون و بنی عمون هزار وزنه نقره فرستادند تا ارابه‌ها و سواران از آرام نَهْرین و آرام مَعْکَه و صُوبَه برای خود اجیر سازند. ۷ پس سی و دو هزار ارابه و پادشاه مَعْکَه و جمعیت او را برای خود اجیر کردند، و ایشان بیرون آمده، در مقابل مِدْبا اَرْدو زدند، و بنی عمون از شهرهای خود جمع شده، برای جنگ آمدند. ۸ و چون داود این را شنید، یوآب و تمامی لشکر شجاعان را فرستاد. ۹ و بنی عمون بیرون آمده، نزد

داود سپرهای طلا را که بر خادمان هَدْرَعَزْر بود گرفته، آنها را به اورشلیم آورد. ۸ و داود از طَبْحَت و کُون شهرهای هَدْرَعَزْر برنج از حد زیاده گرفت که از آن سلیمان دریاچه و ستونها و ظروف برنجین ساخت.

۹ و چون تُوْعُو پادشاه حَمات شنید که داود تمامی لشکر هَدْرَعَزْر پادشاه صُوبَه را شکست داده است، ۱۰ پسر خود هَدُوْر ام را نزد داود پادشاه فرستاد تا از سلامتی او بپرسد و او را تَهْنِیت گوید از آن جهت که با هَدْرَعَزْر جنگ نموده او را شکست داده بود، زیرا هَدْرَعَزْر با تُوْعُو جنگ می نمود؛ و هر قِسم ظروف طلا و نقره و برنج (با خود آورد) ۱۱ و داود پادشاه آنها را نیز برای خداوند وقف نمود، با نقره و طلایی که از جمیع اَمْت‌ها یعنی از اَدُوم و موآب و بنی عمون و فلسطینیان و عَمالَقَه آورده بود.

۱۲ و اِبْشای ابن صَرُویَه هجده هزار نفر از اَدُومیان را در وادی مِلْح کشت. ۱۳ و در اَدُوم نگهبانان قرار داد و جمیع اَدُومیان بندگان داود شدند و خداوند داود را در هر جایی که می رفت نصرت می داد.

۱۴ و داود بر تمامی اسرئیل سلطنت نموده، انصاف و عدالت را بر تمامی قوم خود مجرا می داشت. ۱۵ و یوآب بن صَرُویَه سردار لشکر بود و یَهُوشافاط بن اَخِیلُود وقایع نگار. ۱۶ و صادوق بن اَخِیطُوب و ایملک بن اَبِیتار کاهن بودند و شوشاکاتب بود. ۱۷ و بنایا ابن یَهُویاداع رئیس کَرِیتیان و فِلیتیان و پسران داود نزد پادشاه مقدم بودند.



قتل رسانید. ۱۹ و چون بندگان هَدْرَعَزَر دیدند که از حضور اسرائیل شکست خوردند، با داود صلح نموده، بنده او شدند، و آرامیان بعد از آن در کمک بنی عَمُون اقدام ننمودند.

## جنگ با رَبّه و فلسطینیان

۲۰ و واقع شد در وقت تحویل سال، هنگام بیرون رفتن پادشاهان، که یوآب قوت لشکر را بیرون آورد، و زمین بنی عَمُون را ویران ساخت و آمده، رَبّه را محاصره نمود. اما داود در اورشلیم ماند و یوآب رَبّه را تسخیر نموده، آن را منهدم ساخت. ۲ و داود تاج پادشاه ایشان را از سرش گرفت که وزنش یک وزنه طلا بود و سنگهای گرانبها داشت و آن را بر سر داود گذاشتند و غنیمت از حد زیاد از شهر بردند. ۳ و خلق آنجا را بیرون آورده، ایشان را به آزه‌ها و چومهای آهنین و تیشه‌ها پاره پاره کرد؛ و داود به همین طور با جمیع شهرهای بنی عَمُون رفتار نمود. پس داود و تمامی قوم به اورشلیم برگشتند.

۴ و بعد از آن جنگی با فلسطینیان در جازر، واقع شد که در آن سِبْکای حُوشاتی سِقَای راکه از اولاد رافا بود کشت و ایشان مغلوب شدند. ۵ و باز جنگ با فلسطینیان واقع شد و اَلْحانان بن یاعیر لحمیرا که برادر جُلیات جَتّی بود کشت که چوب نیزه‌اش مثل نورد جولا هکان بود. ۶ و باز جنگ در جَتّ واقع شد که در آنجا مردی بلند قد بود که بیست و چهار انگشت، شش بر هر دست و شش بر هر پا داشت و او نیز برای رافا زاییده شده بود. ۷ و چون او اسرائیل را به تنگ آورد،

دروازه شهر برای جنگ صفا آرایی نمودند. و پادشاهانی که آمده بودند، در صحرا جدا بودند. ۱۰ و چون یوآب دید که روی صفوف جنگ، هم از پیش و هم از عقبش بود، از تمامی برگزیدگان اسرائیل گروهی را انتخاب کرده، در مقابل آرامیان صفا آرایی نمود. ۱۱ و بقیه قوم را به دست برادر خود اَبشای سپرد و به مقابل بنی عَمُون صف کشیدند. ۱۲ و گفت: «اگر آرامیان بر من غالب آیند، به مدد من بیا؛ و اگر بنی عَمُون بر تو غالب آیند، به جهت امداد تو خواهم آمد. ۱۳ دلیر باش که به جهت قوم خویش و به جهت شهرهای خدای خود مردانه بکوشیم و خداوند آنچه را در نظرش پسند آید بکند.» ۱۴ پس یوآب و گروهی که همراهش بودند، نزدیک شدند تا با آرامیان جنگ کنند و ایشان از حضور وی فرار کردند. ۱۵ و چون بنی عَمُون دیدند که آرامیان فرار کردند، ایشان نیز از حضور برادرش اَبشای گریخته، داخل شهر شدند؛ و یوآب به اورشلیم برگشت.

۱۶ و چون آرامیان دیدند که از حضور اسرائیل شکست یافتند، ایشان قاصدان فرستاده، آرامیان را که به آن طرف نهر بودند آوردند، و شُوفَک سردار لشکر هَدْرَعَزَر پیشوای ایشان بود. ۱۷ و چون خبر به داود رسید، تمامی اسرائیل را جمع کرده، از اُرْدُن عبور نمود و به ایشان رسیده، مقابل ایشان صفا آرایی نمود. و چون داود جنگ را با آرامیان آراسته بود، ایشان با وی جنگ کردند. ۱۸ و آرامیان از حضور اسرائیل فرار کردند و داود مردان هفت هزار ارابه و چهل هزار پیاده از آرامیان را کشت، و شُوفَک سردار لشکر را به

یهُوناتان بن شَمْعَا برادر داود او را کشت.<sup>۸</sup> اینان برای رافا در جَتّ زاییده شدند و به دست داود و به دست بندگانش افتادند.

**شمارش مردان جنگی**

و شیطان به ضد اسرائیل برخاسته، داود را اغوا نمود که اسرائیل را بشمارد.<sup>۲</sup> و داود به یوآب و سروران قوم گفت: «بروید و عدد اسرائیل را از بئر شَبْع تا دان گرفته، نزد من بیاورید تا آن را بدانم.»<sup>۳</sup> یوآب گفت: «خداوند بر قوم خود هر قدر که باشند صد چندان مزید کند؛ و ای آقایم پادشاه آیا جمیع ایشان بندگان آقایم نیستند؟ اما چرا آقایم خواهش این عمل دارد و چرا باید باعث گناه اسرائیل بشود؟»<sup>۴</sup> اما کلام پادشاه بر یوآب غالب آمد و یوآب در میان تمامی اسرائیل گردش کرده، باز به اورشلیم مراجعت نمود.<sup>۵</sup> و یوآب عدد شمرده شدگان قوم را به داود داد و جمله اسرائیلیان هزار هزار و یکصد هزار مرد شمشیرزن و از یهودا چهارصد و هفتاد و چهار هزار مرد شمشیرزن بودند.<sup>۶</sup> اما لاویان و بنیامینیان را در میان ایشان شمرده زیرا که فرمان پادشاه نزد یوآب مکروه بود.

<sup>۱۴</sup> پس خداوند وبا بر اسرائیل فرستاد و هفتاد هزار نفر از اسرائیل مردند.<sup>۱۵</sup> و خدا فرشته‌ای به اورشلیم فرستاد تا آن را هلاک سازد. و چون می‌خواست آن را هلاک کند، خداوند ملاحظه نمود و از آن بلا پیشیمان شد و به فرشته‌ای که (قوم را) هلاک می‌ساخت گفت: «کافی است، حال دست خود را بازدار.» و فرشته خداوند نزد خرمنگاه اُزنانِ ییوسی ایستاده بود.<sup>۱۶</sup> و داود چشمان خود را بالا انداخته، فرشته خداوند را دید که در میان زمین و آسمان ایستاده است و شمشیری برهنه در دستش بر اورشلیم برافراشته؛ پس داود و مشایخ به پلاس ملبس شده، به روی خود در افتادند.<sup>۱۷</sup> و داود به خدا گفت: «آیا من برای شمردن قوم امر نفرمودم و آیا من آن نیستم که گناه ورزیده، مرتکب شرارت زشت شدم؟ اما این گوسفندان چه کرده‌اند؟ پس ای یهُوه خدایم، مستدعی این که دست تو بر من و خاندان پدرم باشد و به قوم خود بلا مرسانی.»

<sup>۷</sup> و این امر به نظر خدا ناپسند آمد، پس اسرائیل را مبتلا ساخت.<sup>۸</sup> و داود به خدا گفت: «در این کاری که کردم، گناه عظیمی ورزیدم. و حال گناه بنده خود را عفو فرما زیرا که بسیار احمقانه رفتار نمودم.»<sup>۹</sup> و خداوند جاد را که رای‌ی داود بود خطاب کرده، گفت: «<sup>۱۰</sup> برو و داود را اعلام کرده، بگو خداوند چنین می‌فرماید: من سه چیز پیش تو می‌گذارم؛ پس یکی از آنها را برای خود

**۲۱**

و شیطان به ضد اسرائیل برخاسته، داود را اغوا نمود که اسرائیل را بشمارد.<sup>۲</sup> و داود به یوآب و سروران قوم گفت: «بروید و عدد اسرائیل را از بئر شَبْع تا دان گرفته، نزد من بیاورید تا آن را بدانم.»<sup>۳</sup> یوآب گفت: «خداوند بر قوم خود هر قدر که باشند صد چندان مزید کند؛ و ای آقایم پادشاه آیا جمیع ایشان بندگان آقایم نیستند؟ اما چرا آقایم خواهش این عمل دارد و چرا باید باعث گناه اسرائیل بشود؟»<sup>۴</sup> اما کلام پادشاه بر یوآب غالب آمد و یوآب در میان تمامی اسرائیل گردش کرده، باز به اورشلیم مراجعت نمود.<sup>۵</sup> و یوآب عدد شمرده شدگان قوم را به داود داد و جمله اسرائیلیان هزار هزار و یکصد هزار مرد شمشیرزن و از یهودا چهارصد و هفتاد و چهار هزار مرد شمشیرزن بودند.<sup>۶</sup> اما لاویان و بنیامینیان را در میان ایشان شمرده زیرا که فرمان پادشاه نزد یوآب مکروه بود.

<sup>۷</sup> و این امر به نظر خدا ناپسند آمد، پس اسرائیل را مبتلا ساخت.<sup>۸</sup> و داود به خدا گفت: «در این کاری که کردم، گناه عظیمی ورزیدم. و حال گناه بنده خود را عفو فرما زیرا که بسیار احمقانه رفتار نمودم.»<sup>۹</sup> و خداوند جاد را که رای‌ی داود بود خطاب کرده، گفت: «<sup>۱۰</sup> برو و داود را اعلام کرده، بگو خداوند چنین می‌فرماید: من سه چیز پیش تو می‌گذارم؛ پس یکی از آنها را برای خود

را در خرمنگاه اُزنان یبوسی مستجاب فرموده است، در آنجا قربانی ها گذرانید. ۲۹ اما مسکن خداوند که موسی در بیابان ساخته بود و مذبح قربانی سوختنی، در آن ایام در مکان بلند جِبْعُون بود ۳۰ اما داود نتوانست نزد آن برود تا از خدا مسألت نماید، چونکه از شمشیر فرشته خداوند می ترسید.

### تدارک برای خانه خدا

پس داود گفت: «این است خانه ۲۲ یهوه خدا، و این مذبح قربانی سوختنی برای اسرائیل می باشد.»

۲ و داود فرمود تا غریبان را که در زمین اسرائیل اند جمع کنند، و سنگ تراشان معین کرد تا سنگهای مربع برای بنای خانه خدا بتراشند. ۳ و داود آهن بسیاری به جهت میخها برای لنگه های دروازه ها و برای وصلها حاضر ساخت و برنج بسیار که نتوان وزن نمود. ۴ و چوب سرو آزاد بی شمار زیرا که اهل صیدون و صور چوب سرو آزاد بسیار برای داود آوردند. ۵ و داود گفت: «پسر من سلیمان کوچک و نازک است و خانه ای که برای یهوه باید بنا نمود، می بایست بسیار عظیم و نامی و جلیل در تمامی زمینها بشود؛ بنابراین حال برایش تهیه می بینم.» پس داود قبل از وفاتش تهیه بسیار دید.

۶ پس پسر خود سلیمان را خوانده، او را وصیت نمود که خانه ای برای یهوه خدای اسرائیل بنا نماید. ۷ و داود به سلیمان گفت که: «ای پسر من! من اراده داشتم که خانه ای برای اسم یهوه خدای خود بنا نمایم. ۸ اما کلام خداوند بر من

۱۸ و فرشته خداوند جاد را امر فرمود که به داود بگوید که داود برود و مذبحی به جهت خداوند در خرمنگاه اُزنان یبوسی برپا کند. ۱۹ پس داود برحسب کلامی که جاد به اسم خداوند گفت برفت. ۲۰ و اُزنان روگردانیده، فرشته را دید و چهار پسرش که همراهش بودند، خویشتن را پنهان کردند؛ و اُزنان گندم می کوید. ۲۱ و چون داود نزد اُزنان آمد، اُزنان نگریسته، داود را دید و از خرمنگاه بیرون آمده، به حضور داود رو به زمین افتاد. ۲۲ و داود به اُزنان گفت: «جای خرمنگاه را به من بده تا مذبحی به جهت خداوند برپا نمایم؛ آن را به قیمت تمام به من بده تا وبا از قوم رفع شود.» ۲۳ اُزنان به داود عرض کرد: «آن را برای خود بگیر و آقایم پادشاه آنچه که در نظرش پسند آید به عمل آورد؛ بین گاو را به جهت قربانی سوختنی و خرمن کوبها را برای هیزم و گندم را به جهت هدیه آردی دادم و همه را به تو بخشیدم.» ۲۴ اما داود پادشاه به اُزنان گفت: «فی، بلکه آن را البته به قیمت تمام از تو خواهم خرید، زیرا که از اموال تو برای خداوند نخواهم گرفت و قربانی سوختنی مجاناً نخواهم گذرانید.» ۲۵ پس داود برای آن موضع ششصد مثقال طلا به وزن، به اُزنان داد. ۲۶ و داود در آنجا مذبحی به جهت خداوند بنا نموده، قربانی های سوختنی و ذبایح صلح گذرانید و نزد خداوند استدعا نمود؛ و او آتشی از آسمان بر مذبح قربانی سوختنی (نازل کرده)، او را مستجاب فرمود. ۲۷ و خداوند فرشته را حکم داد تا شمشیر خود را در غلافش برگردانید.

۲۸ در آن زمان چون داود دید که خداوند او

۱۷ و داود تمامی سروران اسرائیل را امر فرمود که پسرش سلیمان را کمک نمایند. ۱۸ (و گفت): «آیا یهوه خدای شما با شما نیست و آیا شما را از هر طرف آرامی نداده است؟ زیرا ساکنان زمین را به دست من تسلیم کرده است و زمین به حضور خداوند و به حضور قوم او مغلوب شده است. ۱۹ پس حال دلها و جانهای خود را متوجه سازید تا یهوه خدای خویش را بطلبید و برخاسته، مقدس یهوه خدای خویش را بنا نمایید تا تابوت عهد خداوند و آلات مقدس خدا را به خانه‌ای که به جهت اسم یهوه بنا می‌شود درآورید.»

## لاویان

۲۳ و چون داود پیر و سالخورده شد، پسر خود سلیمان را به پادشاهی اسرائیل نصب نمود.

۲ و تمامی سروران اسرائیل و کاهنان و لاویان را جمع کرد. ۳ و لاویان از سی ساله و بالاتر شمرده شدند و عدد ایشان برحسب سرهای مردان ایشان، سی و هشت هزار بود. ۴ از ایشان بیست و چهار هزار به جهت نظارت عمل خانه خداوند و شش هزار سروران و داوران بودند. ۵ و چهار هزار دربانان و چهار هزار نفر بودند که خداوند را به آلتی که به جهت تسبیح ساخته شد، تسبیح خواندند. ۶ و داود ایشان را برحسب پسران لاوی یعنی جرشون و قهات و ممراری به فرقه‌ها تقسیم نمود.

۷ از جرشونیان لعدان و شمعی. ۸ پسران لعدان اول یحییئیل و زیتام و سومین یوئیل.

نازل شده، گفت: چونکه بسیار خون ریخته‌ای و جنگهای عظیم کرده‌ای، پس خانه‌ای برای اسم من بنا نخواهی کرد، چونکه به حضور من بسیار خون بر زمین ریخته‌ای. ۹ اینک پسری برای تو متولد خواهد شد که مرد آرامی خواهد بود زیرا که من او را از جمیع دشمنانش از هر طرف آرامی خواهم بخشید، چونکه اسم او سلیمان خواهد بود و در ایام او اسرائیل را صلح و راحت عطا خواهم فرمود. ۱۰ او خانه‌ای برای اسم من بنا خواهد کرد و او پسر من خواهد بود و من پدر او خواهم بود. و کرسی سلطنت او را بر اسرائیل تا ابدالابد پایدار خواهم گردانید. ۱۱ پس حال ای پسر من خداوند همراه تو باد تا کامیاب شوی و خانه یهوه خدای خود را چنانکه درباره تو فرموده است بنا نمایی. ۱۲ اما خداوند تو را فهم و درک عطا فرماید و تو را درباره اسرائیل وصیت نماید تا شریعت یهوه خدای خود را نگاه داری. ۱۳ آنگاه اگر متوجه شده، فرایض و احکامی را که خداوند به موسی درباره اسرائیل امر فرموده است، به عمل آوری کامیاب خواهی شد. پس قوی و دلیر باش و ترسان و هراسان مشو. ۱۴ و اینک من در تنگی خود صد هزار وزنه طلا و صد هزار وزنه نقره و برنج و آهن اینقدر زیاده که به وزن نیاید، برای خانه خداوند حاضر کرده‌ام؛ و چوب و سنگ نیز مهیا ساخته‌ام و تو بر آنها مزید کن. ۱۵ و نزد تو عملة بسیاریند، از سنگ بران و سنگتراشان و نجاران و اشخاص هنرمند برای هر صنعتی. ۱۶ طلا و نقره و برنج و آهن بی‌شمار است پس بر خیز و مشغول باش و خداوند همراه تو باد.»

بودند که از بیست ساله و بالاتر در عمل خدمت خانه خداوند می‌پرداختند.<sup>۲۵</sup> زیرا که داود گفت: «یَهُوه خدای اسرائیل قوم خویش را آرامی داده است و او در اورشلیم تا به ابد ساکن می‌باشد.<sup>۲۶</sup> و نیز لایوان را دیگر لازم نیست که مسکن و همه اسباب خدمت را بردارند.»<sup>۲۷</sup> بنابراین برحسب فرمان آخر داود پسران لاوی از بیست ساله و بالاتر شمرده شدند.<sup>۲۸</sup> زیرا که منصب ایشان به طرف بنی‌هارون بود تا خانه خداوند را خدمت نمایند، در صحن‌ها و حجره‌ها و برای تطهیر همه چیزهای مقدس و عمل خدمت خانه خدا.<sup>۲۹</sup> و بر نان تَقْدِمه و آرد نرم به جهت هدیه آردی و قرصهای فطیر و آنچه بر ساج پخته می‌شود و ربیکه‌ها و بر همه کیلها و وزنها.<sup>۳۰</sup> و تا هر صبح برای تسبیح و حمد خداوند حاضر شوند و همچنین هر شام.<sup>۳۱</sup> و به جهت گذرانیدن همه قربانی‌های سوختنی برای خداوند در هر روز سبت و غره‌ها و عیدها برحسب شماره و بر وفق قانون آنها دائماً به حضور خداوند.<sup>۳۲</sup> و برای نگاه داشتن وظیفه خیمه اجتماع و وظیفه قدس و وظیفه برادران خود بنی‌هارون در خدمت خانه خداوند.

### فرقه‌های کهنات

و این است فرقه‌های بنی‌هارون: **۲۴** پسران هارون، ناداب و ابیهو و ال‌عازار و ایتامار.<sup>۲</sup> و ناداب و ابیهو قبل از پدر خود مُردند و پسری نداشتند، پس ال‌عازار و ایتامار به کهنات پرداختند.<sup>۳</sup> و داود با صادق که از بنی‌ال‌عازار بود و اَخِیْمَلْک که از بنی‌ایتامار

<sup>۹</sup> پسران شِمْعی شَلُومیت و حَزَبِئیل و هاران سه نفر. اینان رؤسای خاندانهای آبای لعدان بودند.<sup>۱۰</sup> و پسران شِمْعی، یَحْت و زیزا و یُعوش و بَرِیعَه. اینان چهار پسر شِمْعی بودند.<sup>۱۱</sup> و یَحْت اولین و زیزا دومین و یُعوش و بَرِیعَه پسران بسیار نداشتند؛ از این سبب یک خاندان آبا از ایشان شمرده شد.

<sup>۱۲</sup> پسران قَهات عَمْرَم و یِضْهَار و حَبْرُون و عَزَبِئیل چهار نفر.<sup>۱۳</sup> پسران عَمْرَم هارون و موسی و هارون ممتاز شد تا او و پسرانش قدس الاقداس را پیوسته تقدیس نمایند و به حضور خداوند بخور بسوزانند و او را خدمت نمایند و به اسم او همیشه اوقات برکت دهند.<sup>۱۴</sup> و پسران موسی مرد خدا با سبط لاوی نامیده شدند.<sup>۱۵</sup> پسران موسی جَرَشُوم و اَلْعازار.<sup>۱۶</sup> از پسران جَرَشُوم شَبُوتیل رئیس بود.<sup>۱۷</sup> و از پسران اَلْعازار رَحَبِیا رئیس بود و اَلْعازار را پسر دیگر نبود؛ اما پسران رَحَبِیا بسیار زیاد بودند.<sup>۱۸</sup> از پسران یِضْهَار شَلُومیت رئیس بود.<sup>۱۹</sup> پسران حَبْرُون، اولین یریا و دومین اَمْرِیا و سومین یَحَزَبِئیل و چهارمین یَقْمَعَم.<sup>۲۰</sup> پسران عَزَبِئیل اولین میکا و دومین یِشَبِیا.

<sup>۲۱</sup> پسران مَراری مَحَلی و موشی و پسران مَحَلِی اَلْعازار و قِیس.<sup>۲۲</sup> و اَلْعازار مُرد و او را پسری نبود؛ اما دختران داشت و برادران ایشان پسران قِیس ایشان را به زنی گرفتند.<sup>۲۳</sup> پسران موشی مَحَلی و عاَدَر و یَزِیْمُوت سه نفر بودند.<sup>۲۴</sup> اینان پسران لاوی موافق خاندانهای آبای خود و رؤسای خاندانهای آبا از آنانی که شمرده شدند برحسب شماره اسمای سرهای خود

بود، ایشان را برحسب وکالت ایشان بر خدمت ایشان تقسیم کردند.<sup>۴</sup> و از پسران اِلعازار مردانی که قابل ریاست بودند، زیاده از بنی ایتامار یافت شدند. پس شانزده رئیس خاندان آبا از بنی اِلعازار و هشت رئیس خاندان آبا از بنی ایتامار معین کردند.<sup>۵</sup> پس اینان با آنان به حسب قرعه معین شدند زیرا که رؤسای قدس و رؤسای خانه خدا هم از بنی اِلعازار و هم از بنی ایتامار بودند.<sup>۶</sup> و شَمْعِیَا ابن نَتْنِیِّل کاتب که از بنی لایوی بود، اسمهای ایشان را به حضور پادشاه و سروران و صادق کاهن و اَخیَمَلِک بن ابیاتار و رؤسای خاندان آبای کاهنان و لایویان نوشت و یک خاندان آبا به جهت اِلعازار گرفته شد و یک به جهت ایتامار گرفته شد.

<sup>۷</sup> و قرعه اول برای یهویاریب بیرون آمد و دوم برای یدغیا،<sup>۸</sup> و سوم برای حاریم و چهارم برای سغوریم،<sup>۹</sup> و پنجم برای مَلِکِیَه و ششم برای میامین،<sup>۱۰</sup> و هفتم برای هَقُوص و هشتم برای آبیّا،<sup>۱۱</sup> و نهم برای یِشُوع و دهم برای شِکُنْیَا،<sup>۱۲</sup> و یازدهم برای اَلْیَاشِیْب و دوازدهم برای یاقیم،<sup>۱۳</sup> و سیزدهم برای حَفَه و چهاردهم برای یِشَبَّاب،<sup>۱۴</sup> و پانزدهم برای بِلْجَه و شانزدهم برای امیر،<sup>۱۵</sup> و هفدهم برای حیزیر و هجدهم برای هَفْصِیص،<sup>۱۶</sup> و نوزدهم برای فَتَحْیَا و بیستم برای یَحْرَقِیئیل،<sup>۱۷</sup> و بیست و یکم برای یاکین و بیست و دوم برای جامول،<sup>۱۸</sup> و بیست و سوم برای دلایا و بیست و چهارم برای مَعْرِیَا.<sup>۱۹</sup> پس این است وظیفه‌ها و خدمت‌های ایشان به جهت داخل شدن در خانه خداوند برحسب قانونی که به واسطه پدر ایشان هارون موافق

فرمان یهوه خدای اسرائیل به ایشان داده شد.

## بقیه لایویان

<sup>۲۰</sup> و اما درباره بقیه بنی لایوی، از بنی عَمْرَام شوبائیل و از بنی شوبائیل یَحْدَیَا.<sup>۲۱</sup> و اما رَحَبْیَا از بنی رَحَبْیَا یِشِیْیَای رئیس،<sup>۲۲</sup> و از بنی یَضْهَار شَلُومُوت و از بنی شَلُومُوت یَحْت.<sup>۲۳</sup> و از بنی حَبْرُون بریا و دومین اَمْرِیَا و سومین یَحْزِئیل و چهارمین یَقْمَعَام.<sup>۲۴</sup> از بنی عَزْیئیل میکا و از بنی میکا شامیر.<sup>۲۵</sup> و برادر میکا یِشِیْیَا و از بنی یِشِیْیَا زکریّا.<sup>۲۶</sup> و از بنی مَراری مَحْلی و موشی و پسر یَعْزِیَا بَنُو.<sup>۲۷</sup> و از بنی مَراری پسران یَعْزِیَا بَنُو و شوهَم و زُکُور و عِبرِی.<sup>۲۸</sup> و پسر مَحْلی اِلعازار و او را فرزند ی بُود.<sup>۲۹</sup> و اما قِیس، از بنی قِیس یِرْحَمِیئیل،<sup>۳۰</sup> و از بنی موشی مَحْلی و عاَدَر و یَرِیْمُوت. اینان برحسب خاندان آبای ایشان بنی لایوی می‌باشند.<sup>۳۱</sup> ایشان نیز مثل برادران خود بنی هارون به حضور داود پادشاه و صادق و اَخیَمَلِک و رؤسای آبای کَهَنَه و لایویان قرعه انداختند یعنی خاندانهای آبای برادر بزرگتر برابر خاندانهای کوچکتر او بودند.

## نوازندگان

و داود و سرداران لشکر بعضی از پسران آساف و هیمان و یدوتون را **۲۵** به جهت خدمت جدا ساختند تا با بریط و عود و سنج نبوت نمایند؛ و شماره آنان که برحسب خدمت خود به کار می‌پرداختند این است:<sup>۲</sup> و اما از بنی آساف، زُکُور و یوسف و نَتْنِیَّا و اَشْرِئِیْلَه پسران آساف زیر حکم آساف بودند که برحسب

برای شَمعی و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۸ و یازدهم برای عَزْرُئیل و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۹ و دوازدهم برای حَشَبیّا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۰ و سیزدهم برای شُوبائیل و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۱ و چهاردهم برای مَتّیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۲ و پانزدهم برای یریموت و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۳ و شانزدهم برای حَنّیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۴ و هفدهم برای یَشَبَقاشه و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۵ و هجدهم برای حَنّانی و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۶ و نوزدهم برای مَلوتی و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۷ و بیستم برای ایلِیّآته و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۸ و بیست و یکم برای هُوتیر و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۹ و بیست و دوم برای جِدَلّتی و پسران و برادران او دوازده نفر. ۳۰ و بیست و سوم برای مَحْزِیوت و پسران و برادران او دوازده نفر. ۳۱ و بیست و چهارم برای رُومَمّتی عَزْر و پسران و برادران او دوازده نفر.

### فرقه‌های دربانان

۲۶ و اما فرقه‌های دربانان: پس از قُورِحان مَشَلَمّیا ابن قُوری که از بنی‌آساف بود. ۲ و مَشَلَمّیا را پسران بود. نخست‌زاده‌اش زکریّا و دوم یدیعئیل و سوم زَبَدیا و چهارم بَنیئیل. ۳ و پنجم عیلام و ششم یهُوحانان و هفتم اَلیهُوعینای. ۴ و عُوبید آدوم را پسران بود: نخست‌زاده‌اش، شَمَعیا و دوم یهُوزاباد و سوم یوآخ و چهارم ساکار و پنجم

فرمان پادشاه نبوت می‌نمود. ۳ و از یَدُوْتون، پسران یَدُوْتون جَدَلّیا و صَرّی و اَشعیا و حَشَبیّا و مَتّیا شش نفر زیر حکم پدر خویش یَدُوْتون با بربطها بودند که با حمد و تسبیح خداوند نبوت می‌نمود. ۴ و از هیمان، پسران هیمان یُقیّا و مَتّیا و عَزْیئیل و شَبُوئیل و یریموت و حَنّیا و حَنّانی و اَلیّآته و جَدَلّتی و رُومَمّتی عَزْر و یَشَبَقاشه و مَلوتی و هُوتیر و مَحْزِیوت. ۵ جمیع اینها پسران هیمان بودند که در کلام خدا به جهت برافراشتن بوق رایب پادشاه بود. و خدا به هیمان چهارده پسر و سه دختر داد. ۶ جمیع اینها زیر فرمان پدران خویش بودند تا در خانه خداوند با سنج و عود و بربط بسرایند و زیر دست پادشاه و آساف و یَدُوْتون و هیمان به خدمت خانه خدا بپردازند. ۷ و شماره ایشان با برادران ایشان که سراییدن را به جهت خداوند آموخته بودند، یعنی همه کسان ماهر دویست و هشتاد و هشت نفر بودند. ۸ و برای وظیفه‌های خود کوچک با بزرگ و معلم با شاگرد به طور یکسان قرعه انداختند.

۹ پس قرعه اول بنی‌آساف برای یوسف بیرون آمد. و قرعه دوم برای جَدَلّیا و او و برادرانش و پسرانش دوازده نفر بودند. ۱۰ و سوم برای زَکُور و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۱ و چهارم برای یَضْرّی و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۲ و پنجم برای نَتّیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۳ و ششم برای یُقیّا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۴ و هفتم برای یَشَرّئیله و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۵ و هشتم برای اَشعیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۶ و نهم برای مَتّیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۷ و دهم

هر روزه چهار نفر و نزد بیت‌المال جفت‌جفت.  
 ۱۸ و به طرف غربی فُزوار برای جاده سربالا  
 چهارنفر و برای فُزوار دو نفر. ۱۹ اینها فرقه‌های  
 دربانان از بنی فُورَح و از بنی مَراری بودند

### خزانه‌داران و بقیه مقامات

۲۰ و اما از لایوان اَخِیَا بر خزانه خانه خدا  
 و بر خزانه موقوفات بود. ۲۱ و اما بنی لادان: از  
 پسران لادان جَرشونی رؤسای خاندان آبابی لادان  
 یحییلی جَرشونی.

۲۲ پسران یحییلی زیتام و برادرش یوئیل  
 بر خزانه خانه خداوند بودند. ۲۳ از عَمَرامیان  
 و از یضهاریان و از حَبْرُونیان و از عَزْیَیلیان.  
 ۲۴ و شُبُوئیل بن جَرشوم بن موسی ناظر خزانه‌ها  
 بود. ۲۵ و از برادرانش بنی‌العازار، پسرش رَحَبِیَا  
 و پسرش اَشَعِیَا و پسرش یورام و پسرش زِکْرِی  
 و پسرش شَلومیت. ۲۶ این شَلومیت و برادرانش  
 بر جمیع خزان موقوفاتی که داود پادشاه وقف  
 کرده بود و رؤسای آبا و رؤسای هزاره‌ها و  
 صدها و سرداران لشکر بودند. ۲۷ از جنگها و  
 غنیمت‌ها وقف کردند تا خانه خداوند را تعمیر  
 نمایند ۲۸ و هر آنچه سموئیل رایبی و شائول بن  
 قَیس و اَئینر بن نیر و یوآب بن صَرُوویه وقف کرده  
 بودند و هر چه هرکس وقف کرده بود زیر دست  
 شَلومیت و برادرانش بود.

۲۹ و از یضهاریان کَنَنیا و پسرانش برای  
 اعمال خارجه اسرائیل صاحبان منصب و داوران  
 بودند. ۳۰ و از حَبْرُونیان حَسَبِیَا و برادرانش هزار  
 و هفتصد نفر مردان شجاع به آن طرف اُزْدُن به  
 سمت مغرب به جهت هر کار خداوند و به جهت

نَتَنئیل. ۵ و ششم عَمَّیئیل و هفتم یَساکار و هشتم  
 فَعَلَتای زیرا خدا او را برکت داده بود. ۶ و برای  
 پسرش شَمَعِیَا پسرانی که بر خاندان آبابی خویش  
 تسلط یافتند، زاییده شدند زیرا که ایشان مردان  
 قوی شجاع بودند. ۷ پسران شَمَعِیَا عُنْثی و رَفائیل  
 و عُوید و اَلزَّاباد که برادران او مردان شجاع  
 بودند و اَلیهُو و سَمْکِیَا. ۸ جمیع اینها از بنی عُوید  
 اَدوم بودند و ایشان با پسران و برادران ایشان در  
 قوت خدمت مردان قابل بودند یعنی شصت و  
 دو نفر (از اولاد) عُوید اَدوم. ۹ و مَسَلَمِیَا هجده  
 نفر مردان قابل از پسران و برادران خود داشت.  
 ۱۰ و حُوسَه که از بنی مَراری بود پسران داشت که  
 شِمْری رئیس ایشان بود زیرا اگر چه نخست‌زاده  
 نبود، پدرش او را رئیس ساخت. ۱۱ و دوم حَلْقِیَا  
 و سوم طَبْلیَا و چهارم زکریا و جمیع پسران و  
 برادران حُوسَه سیزده نفر بودند.

۱۲ و به اینان یعنی به رؤسای ایشان فرقه‌های  
 دربانان داده شد و وظیفه‌های ایشان مثل برادران  
 ایشان بود تا در خانه خداوند خدمت نمایند. ۱۳ و  
 ایشان از کوچک و بزرگ بر حسب خاندان آبابی  
 خویش برای هر دروازه قرعه انداختند. ۱۴ و قرعه  
 شرقی به شَلَمِیَا افتاد و بعد از او برای پسرش  
 زکریاکه مُشیرِ دانا بود، قرعه انداختند و قرعه  
 او به سمت شمال بیرون آمد. ۱۵ و برای عُوید  
 اَدوم (قرعه) جنوبی و برای پسرانش (قرعه)  
 بیت‌المال. ۱۶ و برای شَفِیم و حُوسَه قرعه  
 مغربی نزد دروازه شَلْکَت در جاده‌ای که سربالا  
 می‌رفت و نگهبانی این در مقابل نگهبانی آن بود.  
 ۱۷ و به طرف شرقی شش نفر از لایوان بودند و به  
 طرف شمال هر روزه چهار نفر و به طرف جنوب



چهار هزار نفر بودند.<sup>۸</sup> و رئیس پنجم برای ماه پنجم شَمْهُوتِ یَزْرَاحی بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۹</sup> و رئیس ششم برای ماه ششم عیرا ابن عَیْشِ تَقْوَعی بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۱۰</sup> و رئیس هفتم برای ماه هفتم حَالِصِ فُلُونی از بنی افرایم بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۱۱</sup> و رئیس هشتم برای ماه هشتم سَبْکای حُوشاتی از زارحیان بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۱۲</sup> و رئیس نهم برای ماه نهم اَبِیعَزْرِ عَناتوتی از بنی بنیامین بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۱۳</sup> و رئیس دهم برای ماه دهم مَهْرَای نَطُوفاتی از زارحیان بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۱۴</sup> و رئیس یازدهم برای ماه یازدهم بنیایِ فِرَاعَتونی از بنی افرایم بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۱۵</sup> و رئیس دوازدهم برای ماه دوازدهم خَلْدَای نَطُوفاتی از بنی عُنْتِیئیل و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.

### رؤسای اسباط

<sup>۱۶</sup> و اما رؤسای اسباط بنی اسرائیل: رئیس رُؤبِینانِ اَلعازار بن زَکْرَی، و رئیس شَمْعُونیانِ شَفَطْیَا ابن مَعْکَه،<sup>۱۷</sup> و رئیس لاویانِ عِشْبِیا ابن قَمْوئیل و رئیس بنی هارون صادوق.<sup>۱۸</sup> و رئیس یهودا اَلیهُو از برادران داود و رئیس یَساکار عُمْرَی ابن میکائیل.<sup>۱۹</sup> و رئیس زبولون یَشْمَعْیَا ابن عُوْبَدْیَا و رئیس نَفْتالی یریموت بن عَزْرِیئیل.<sup>۲۰</sup> و رئیس بنی افرایم هُوشَع بن عَزْرَیا و رئیس نصف سبط مَنَسِی یُوئیل بن فَدایا.<sup>۲۱</sup> و رئیس

خدمت پادشاه بر اسرائیل گماشته شده بودند.<sup>۳۱</sup> از حَبْرُونیان: بر حسب انساب آبای ایشان یَرِیا رئیس حَبْرُونیان بود و در سال چهلم سلطنت داود طلبیده شدند و در میان ایشان مردان شجاع در یَعزیر جَلْعَاد یافت شدند.<sup>۳۲</sup> و از برادرانش دو هزار و هفتصد مرد شجاع و رئیس آبا بودند. پس داود پادشاه ایشان را بر رُؤبِینیان و جادیان و نصف سبط مَنَسِی برای همه امور خدا و امور پادشاه گماشت.

### رؤسای لشکر

و از بنی اسرائیل بر حسب شماره  
**۲۷** ایشان از رؤسای آبا و رؤسای هزاره و صده و صاحبان منصب که پادشاه را در همه امور فرقه‌های داخله و خارجه ماه به ماه در همه ماه‌های سال خدمت می‌کردند، هر فرقه بیست و چهار هزار نفر بودند.

<sup>۲</sup> و بر فرقه اول برای ماه اول یَشْبَعْم بن زَبْدِیئیل بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۳</sup> و از پسران فَاْرَص رئیس جمیع رؤسای لشکر، به جهت ماه اول بود.<sup>۴</sup> و بر فرقه ماه دوم دُودای اَحُوخِی و از فرقه او مَقْلُوت رئیس بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۵</sup> و رئیس لشکر سوم برای ماه سوم بنیای ابن یَهُویاداع کاهن بزرگ بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.<sup>۶</sup> این همان بنیای است که در میان آن سی نفر بزرگ بود و بر آن سی نفر برتری داشت و از فرقه او پسرش عَمِیزآباد بود.<sup>۷</sup> و رئیس چهارم برای ماه چهارم عَسائیل برادر یوآب و بعد از او برادرش زَبْدِیا بود و در فرقه او بیست و

اَزْکِی دوست پادشاه بود. ۳۴ و بعد از اَخِیْتُوَفَلْ یَهُوِیاداع بن بنایا و اَیباتار بودند و سردار لشکر پادشاه یوآب بود.

### طرح داود درباره خانه خدا

و داود جمیع رؤسای اسرائیل را از  
**۲۸** رؤسای اسباط و رؤسای فرقه‌هایی که پادشاه را خدمت می‌کردند و رؤسای هزاره و رؤسای صده و ناظران همه اندوخته‌ها و اموال پادشاه و پسرانش را با خواجه سرایان و شجاعان و جمیع مردان جنگی در اورشلیم جمع کرد. ۲ پس داود پادشاه بر پا ایستاده، گفت: «ای برادرانم و ای قوم من! مرا بشنوید! من اراده داشتم خانه‌ای که آرامگاه تابوت عهد خداوند و پای انداز پایهای خدای ما باشد بنا نمایم، و برای بنای آن تدارک دیده بودم. ۳ اما خدا مرا گفت: تو خانه‌ای به جهت اسم من بنا نخواهی نمود، زیرا مرد جنگی هستی و خون ریخته‌ای. ۴ اما یَهُوه خدای اسرائیل مرا از تمامی خاندان پدرم برگزیده است که بر اسرائیل تا به ابد پادشاه بشوم، زیرا که یهودا را برای ریاست اختیار کرد و از خاندان یهودا خاندان پدر مرا و از فرزندان پدرم مرا پسند کرد تا مرا بر تمامی اسرائیل به پادشاهی نصب نماید. ۵ و از جمیع پسران من (زیرا خداوند پسران زیاد به من داده است)، پسر م سلیمان را برگزیده است تا بر کرسی سلطنت خداوند بر اسرائیل بنشیند. ۶ و به من گفت: پسر تو سلیمان، او است که خانه مرا و صحن‌های مرا بنا خواهد نمود، زیرا که او را برگزیده‌ام تا پسر من باشد و من پدر او خواهم

نصف سبب مَنَسِی در جُعَادِ یُدو ابن زکریّا و رئیس بنیامین یعیسیل بن اُنیر. ۲۲ و رئیس دان عَزْرُئیل بن یروحام. اینها رؤسای اسباط اسرائیل بودند. ۲۳ و داود شماره کسانی که بیست ساله و کمتر بودند، نگرفت زیرا خداوند وعده داده بود که اسرائیل را مثل ستارگان آسمان کثیر گرداند. ۲۴ و یوآب بن صَرُویّه آغاز شمردن نمود، اما به اتمام نرسانید و از این جهت غضب بر اسرائیل وارد شد و شماره آنها در دفتر اخبار ایام پادشاه ثبت نشد.

### ناظران پادشاه

۲۵ و ناظر انبارهای پادشاه عَزْمُوت بن عَدِیئیل بود و ناظر انبارهای مزرعه‌ها که در شهرها و در دهات و در قلعه‌ها بود، یَهُوناتان بن عَزْرِیا بود. ۲۶ و ناظر عملجات مزرعه‌ها که کار زمین می‌کردند، عَزْرِی ابن کَلُوب بود. ۲۷ و ناظر تاکستانها شَمعی راماتی بود و ناظر محصول تاکستانها و انبارهای شراب رَیْدِی شِفماتی بود. ۲۸ و ناظر درختان زیتون و افراغ که در همواری بود بَعْل حانانِ جدیری بود و ناظر انبارهای روغن یوآش بود. ۲۹ و ناظر رمه‌هایی که در شارون می‌چریدند شَطْرای شارونی بود. و ناظر رمه‌هایی که در وادیها بودند شَفاط بن عَدْلانی بود. ۳۰ و ناظر شتران عُوْبیل اسمعیلی بود و ناظر الاغها یَحْدِیای میرونوتی بود. ۳۱ و ناظر گله‌ها یازیز هاجری بود. جمیع اینان ناظران اندوخته‌های داود پادشاه بودند.

۳۲ و یَهُوناتان عموی داود مشیر و مرد دانا و فقیه بود و یَحِیئیل بن حَکْمونی همراه پسران پادشاه بود. ۳۳ اَخِیْتُوَفَلْ مشیر پادشاه و حوشای

آنها به جهت هر شمعدان و چراغهایش، آن را به وزن داد و برای شمعدانهای نقره نیز نقره را به وزن به جهت هر چراغدان موافق کار هر شمعدان و چراغهای آن.<sup>۱۶</sup> و طلا را به وزن به جهت میزهای نان تقدّمه برای هر میز جدا و نقره را برای میزهای نقره.<sup>۱۷</sup> و زر خالص را برای چنگالها و کاسه‌ها و پیاله‌ها و به جهت طاس‌های طلا موافق وزن هر طاس و به جهت طاس‌های نقره موافق وزن هر طاس.<sup>۱۸</sup> و طلای مصفی را به وزن به جهت مذبح بخور و طلا را به جهت نمونه مرکب کروبیان که بالهای خود را پهن کرده، تابوت عهد خداوند را می پوشانیدند.<sup>۱۹</sup> (و داود گفت): «خداوند این همه را یعنی تمامی کارهای این نمونه را از نوشته دست خود که بر من بود به من فهمانید.»

<sup>۲۰</sup> و داود به پسر خود سلیمان گفت: «قوی و دلیر باش و مشغول شو و ترسان و هراسان مباش، زیرا یهوه خدا که خدای من می باشد، با تو است و تا همه کار خدمت خانه خداوند تمام نشود، تو را و نخواهد گذاشت و تو را ترک نخواهد نمود.<sup>۲۱</sup> اینک فرقه‌های کاهنان و لویان برای تمام خدمت خانه خدا (حاضرند) و برای هر گونه عمل همه کسان دلگرم که برای هر صنعتی مهارت دارند، با تو هستند و سروران و تمامی قوم مطیع کل اوامر تو می باشند.»

### هدایا برای خانه خدا

و داود پادشاه به تمامی جماعت گفت: **۲۹** «پسرم سلیمان که خدا او را به تنهایی برای خود برگزیده، جوان و لطیف

بود.<sup>۷</sup> و اگر او به جهت به جا آوردن فرایض و احکام من مثل امروز ثابت بماند، آنگاه سلطنت او را تا به ابد استوار خواهم گردانید.<sup>۸</sup> پس الآن در نظر تمامی اسرائیل که جماعت خداوند هستند و به سمع خدای ما متوجه شده، تمامی اوامر یهوه خدای خود را بطلبید تا این زمین نیکو را به تصرف آورده، آن را بعد از خودتان به پسران خویش تا به ابد به ارثیت واگذارید.

<sup>۹</sup> «و تو ای پسر من سلیمان خدای پدر خود را بشناس و او را به دل کامل و به ارادت تمام عبادت نما زیرا خداوند همه دلها را تفتیش می نماید و هر تصور فکرها را ادراک می کند، و اگر او را طلب نمایی، او را خواهی یافت، اما اگر او را ترک کنی، تو را تا به ابد دور خواهد انداخت.<sup>۱۰</sup> حال با حذر باش زیرا خداوند تو را برگزیده است تا خانه‌ای به جهت مقدّس او بنا نمایی، پس قوی شده، مشغول باش.»

<sup>۱۱</sup> و داود به پسر خود سلیمان نمونه رواق و خانه‌ها و خزاین و بالاخانه‌ها و حجره‌های اندرونی آن و خانه کرسی رحمت،<sup>۱۲</sup> و نمونه هر آنچه را که از روح به او داده شده بود، برای صحن‌های خانه خداوند و برای همه حجره‌های گردگردش و برای خزاین خانه خدا و خزاین موقوفات داد.<sup>۱۳</sup> و برای فرقه‌های کاهنان و لویان و برای تمامی کار خدمت خانه خداوند و برای همه اسباب خدمت خانه خداوند.<sup>۱۴</sup> و از طلا به وزن برای همه آلات طلا به جهت هر نوع خدمتی و از نقره به وزن برای همه آلات نقره به جهت هر نوع خدمتی.<sup>۱۵</sup> و طلا را به وزن به جهت شمعدانهای طلا و چراغهای

تبرّعی برای خداوند آوردند و داود پادشاه نیز بسیار شاد و مسرور شد.

۱۰ و داود به حضور تمامی جماعت خداوند را متبارک خواند و داود گفت: «ای یهوه خدای پدر ما اسرائیل تو از ازل تا به ابد متبارک هستی. ۱۱ و ای خداوند عظمت و جبروت و جلال و قوت و کبریا از آن تو است زیرا هر چه در آسمان و زمین است از آن تو می‌باشد. و ای خداوند ملکوت از آن تو است و تو بر همه سر و متعال هستی. ۱۲ و دولت و جلال از تو می‌آید و تو بر همه حاکمی، و کبریا و جبروت در دست تو است و عظمت دادن و قوت بخشیدن به همه کس در دست تو است. ۱۳ و الآن ای خدای ما تو را حمد می‌گوییم و اسم مجید تو را تسبیح می‌خوانیم.

۱۴ اما من کیستم و قوم من کیستند که قابلیت داشته باشیم که به خوشی دل اینطور هدایا بیاوریم؟ زیرا که همه این چیزها از آن تو است و از دست تو به تو داده‌ایم. ۱۵ زیرا که ما مثل همه اجداد خود به حضور تو غریب و نزیل می‌باشیم و ایام ما بر زمین مثل سایه است و هیچ دوام ندارد. ۱۶ ای یهوه خدای ما تمامی این اموال که به جهت ساختن خانه برای اسم قدوس تو مهیا ساخته‌ایم، از دست تو و تمامی آن از آن تو می‌باشد. ۱۷ و می‌دانم ای خدایم که تو دلها را می‌آزمایی و استقامت را دوست می‌داری و من به استقامت دل خود همه این چیزها را به خوشی دادم و الآن قوم تو را که اینجا حاضرند دیدم که به شادمانی و خوشی دل هدایا برای تو آوردند. ۱۸ ای یهوه خدای پدران ما ابراهیم و اسحاق و

است و این مِهَمّ عظیمی است زیرا که هیكل به جهت انسان نیست بلکه برای یهوه خدا است. ۲ و من به جهت خانه خدای خود به تمامی قوتم تدارک دیده‌ام، طلا را به جهت چیزهای طلایی و نقره را برای چیزهای نقره‌ای و برنج را به جهت چیزهای برنجین و آهن را برای چیزهای آهنین و چوب را به جهت چیزهای چوبین و سنگ جزع و سنگهای ترصیع و سنگهای سیاه و سنگهای رنگارنگ و هر قسم سنگ گرانبها و سنگ مَرَمَرِ فراوان. ۳ و نیز چونکه به خانه خدای خود رغبت داشتم و طلا و نقره از اموال خاص خود داشتم، آن را علاوه بر هر آنچه به جهت خانه قدس تدارک دیدم برای خانه خدای خود دادم. ۴ یعنی سه هزار وزنه طلا از طلای اُوفیر و هفت هزار وزنه نقره خالص به جهت پوشانیدن دیوارهای خانه‌ها. ۵ طلا را به جهت چیزهای طلا و نقره را به جهت چیزهای نقره و به جهت تمامی کاری که به دست صنعتگران ساخته می‌شود. پس کیست که به خوشی دل خویشان را امروز برای خداوند وقف نماید؟»

۶ آنگاه رؤسای خاندانهای آبا و رؤسای اسباط اسرائیل و سرداران هزاره و صده با ناظران کارهای پادشاه به خوشی دل هدایا آوردند. ۷ و به جهت خدمت خانه خدا پنج هزار وزنه و ده هزار درهم طلا و ده هزار وزنه نقره و هجده هزار وزنه برنج و صد هزار وزنه آهن دادند. ۸ و هر کس که سنگهای گرانبها نزد او یافت شد، آنها را به خزانه خانه خداوند به دست یحییئیل جرشونی داد. ۹ آنگاه قوم از آن رو که به خوشی دل هدیه آورده بودند شاد شدند زیرا به دل کامل هدایای

۲۳ پس سلیمان بر کرسی خداوند نشست، به جای پدرش داود پادشاهی کرد و کامیاب شد و تمامی اسرائیل او را اطاعت کردند. ۲۴ و جمیع سروران و شجاعان و همهٔ پسران داود پادشاه نیز مطیع سلیمان پادشاه شدند. ۲۵ و خداوند سلیمان را در نظر تمام اسرائیل بسیار بزرگ گردانید و او را جلالی شاهانه داد که به هیچ پادشاه اسرائیل قبل از او داده نشده بود.

۲۶ پس داود بن یسی بر تمامی اسرائیل سلطنت نمود. ۲۷ و مدت سلطنت او بر اسرائیل چهل سال بود، اما در حَبْرُون هفت سال سلطنت کرد و در اورشلیم سی و سه سال پادشاهی کرد. ۲۸ و در پیری نیکو از عمر و دولت و حشمت سیر شده، وفات نمود و پسرش سلیمان به جایش پادشاه شد. ۲۹ و اینک امور اول و آخر داود پادشاه در سِفْر اخبار سموئیل رابی و اخبار ناتان نبی و اخبار جاد رابی، ۳۰ با تمامی سلطنت و جبروت او و روزگاری که بر وی و بر اسرائیل و بر جمیع ممالک آن اراضی گذشت، مکتوب است.

اسرائیل این را همیشه در تصور فکرهای دل قوم خود نگاه دار و دلهای ایشان را به سوی خود ثابت گردان. ۱۹ و به پسر من سلیمان دل کامل عطا فرما تا اوامر و شهادت و فرایض تو را نگاه دارد، و جمیع این کارها را به عمل آورد و هیکل را که من برای آن تدارک دیدم بنا نماید.»

### سلطنت سلیمان

۲۰ پس داود به تمامی جماعت گفت: «یَهُوهٔ خدای خود را متبارک خوانید.» و تمامی جماعت یَهُوهٔ خدای پدران خویش را متبارک خوانده، به رو افتاده، خداوند را سجده کردند و پادشاه را تعظیم نمودند. ۲۱ و در فردای آن روز برای خداوند ذبایح ذبح کردند و قربانی‌های سوختنی برای خداوند گذرانیدند یعنی هزار گاو و هزار قوچ و هزار بره با هدایای ریختنی و ذبایح بسیار به جهت تمامی اسرائیل. ۲۲ و در آن روز به حضور خداوند به شادی عظیم خوردند و نوشیدند، و سلیمان پسر داود را دوباره به پادشاهی نصب نموده، او را به حضور خداوند به ریاست و صادق را به کهانت مسح نمودند.